

اسلام



۴

# مکتب مبارز

نشریه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان

در اروپا

گروه فارسی زبانان

در این شماره :

صفحه	
۱	* - زوال يك امپراطوری - انحطاط يك تمدن
۶	* - کلیسا و استعمار
۱۳	* - اقتصاد اسلامی
۲۵	* - خلاصه ای از وضع مسلمانان در التیره
۳۰	* - زنده بودن و زندگی کردن
۳۲	* - گوشه‌های اسلامی نسل جوان
۳۵	* - استقلال فکری

۳۲

نشست چهارم : ۱۱ الی ۳ ماه مه ۱۹۶۸  
۱۳۴۷

مکتب مبارز هر سه ماه یکبار از طرف اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا گروه فارسی زبان منتشر میگردد - هدف این نشریه شناخت و شناسائی چهره واقعی اسلام است . از کلیه خوانندگان و صاحب نظران محترم تقاضا میکنیم با ارسال نظرات و مقالات خود ما را در این راه یاری نمایند .

بجز مقالات بی‌امضا مسئولیت مطالب هر مقاله بعهده نویسنده آن میباشد .

## زوال یک امپراطوری - انحطاط یک تمدن

تاریخ اجتماعی بشر با تمام کهولت و قدمتش هنوز بطور کامل موفق نشده تا بروشنی در وقت باین مسأله جواب گویا دهد که آیا تمدنهای درخشان و امپراطوریهای پرشکوه کهن، محکوم به طی سیر معین و مشی در جهت مشخصی هستند. و همچون خود انسان، این معمار زحمتکش و نیز زحمت بر باد رفته تاریخ، زاده میشوند، راه رفتن می آموزند، جوان و شاداب میشوند، و در سنین کمال به ابتکار و خلاقیت میبردازند و آنگاه آرام آرام با گامهای ناخود آگاه بفرسودگی جسمی و نیروئی میگردانند تا بالاخره در سکوت مطلق مرگ سرد و بیحرکت میشوند؟

در اینجا، ما مسلماً نمیتوانیم در مقام آن باشیم که باین سؤال مشکل، پاسخی قاطع و از پیش آماده شده بدهیم. گذشته از این، امور انسانی و اجتماعی کمتر مطلقیت دارند و بیشتر به <sup>تأیید</sup>نسبیت نزدیک اند. از اینرو، نمیتوان مسأله را با جوابی مطلق، خاتمه داده شده تلقی کرد. چه آنکه هنوز علم فلسفه، تاریخ با شناسنامه چهل ساله اش اگر کودک نباشد، علمی است جوان و مانند هر موجود جوان، پرخاشگر، اما نیازمند به غور و کمال.

دو پرخاشگر بزرگ، اسپنگلر صاحب کتاب "انحطاط غرب" در سالهای پس از جنگ جهانی اول و توین بی اندیشمند انگلیسی جوابهای متفاوتی به سؤال بالا داده اند. یکی میگوید سرنوشت تمدنها همچون سرنوشت بشر آغاز - کمال و افول دارد و دیگری بر آنستکه احتمال و امکان زنده کردن و بحرکت درآوردن هر تمدنی که نزدیک بحالت تنزل باشد موجود است بشرط آنکه موجهای عظیم و شکننده ای برانگیخته شوند که با سلاقیهای بیرحمانه عوامل موجد انحطاط را از سر راه ترقی مجدد یک تمدن مشخص برانند و با آفریدن ارزشهای نوجان تازه ای به تمدن نیمه جان عطاء کنند تا موجبات اوج مجدد فراهم آید. بعبارت دیگر سیر سیستمهای مصنوع بشر، سیر جبری نیست و انسان نقش بزرگی در تحول و تغییر آن دارد.

چه جبر و چه اختیار، امروز ما شاهد یک واقعیت مطلق و انکار ناپذیر هستیم. بشرط آنکه در مشاهده مان، تحت عوامل و کششهای کوناگون، دچار قضاوتهای

شتابزده و خشمک اندیشی های زبانبخش نشویم چه آنکه اولین کسانی که از چینی بی سنجشی زیان خواهد دید ، ارزشها و منافع شرق بطور عام غمستند . مطلب را نه بزرگ کنیم و نه کوچک ، بلکه واقعیت را با دو چشم تماشاگر بنگریم و نه بازیگر .

واقعیت مطلق و انکار ناپذیر امروز ، سرایش غلطند ه ای است که امپراطوری بریتانیای کبیر در مسیر آن قرار گرفته و بطور کلی قسمت بزرگی از ارزشهای غربی بر جاده انحطاط در کبیر شده اند .

عمر سه قرن و نیمه امپراطوری بریتانیا ، تلوه فتهای بی دری و درخشش موفقیتهای متوالی علمی و فنی با امتزاز پرچم " پرافتخارش " که از هند تا مصر از قاره آمریکا تا کاره های سیلان و بیرمانی ، تمدنهای کوناگون و مردمان گندمگون زرد و سیاه پوست را تحت فرمان واحد " خدای دریاها " در آورده بود و از صحنه خونین ترین نبرد های تاریخ نظیر واترلو مظفر و پیروز مند بیرون آمده بود ، یکی از فیاض ترین سرچشمه های تأمل و عبرت برای مجموعه تاریخ بشری است .

در وضعیت کنونی ، انگلستان نه دیگر صاحب آن امپراطوری عظیم ، نه آن افتخارات کهن و نه مالک الرقاب دریاهاست . پرچمش که " مرکز آفتاب بر آن غروب نی کرد " همراه با گروه فرستادگان مترویل ، یکی پس از دیگری به جزیره مادر برگردانده میشود و در آن قسمت ها که پرچم باز نمیکرد سوزانده میشود .

مسئله باینجا پایان نمیپذیرد بلکه انگلستان هر روز از روز پیش بیشتر چه از لحاظ سیاسی ! ( انگلستان = بزرگترین مغز سیاسی دنیا ) چه از نظر نظامی ( ولسینگتن و حتی مونتگمری بموزه ها تعلق پیدا کرده اند ) و از همه مهمتر چه از جنبه اقتصادی پیرو و تابع ایالات متحده آمریکا که خود مخلوقی از عظمت گذشته انگلستان چیزی بیش نیست ، میگرد .

دوران پراز جنگ بین الملل دوم و بویژه سالهای اخیر بخوبی نشان داده اند که انگلستان تا چه اندازه زیادی به آمریکا وابسته و بتعبیر واقع بینانه تر پیوسته و همبسته است .

امپراطوری تمام شد . شکی نیست خود انگلیسیها نیز اعتراف میکنند . امپراطوری بریتانیا تجزیه شد ، همانطور که امپراطوری عظیم روم مرد . همانگونه که امپراطوری وسیع " اسلامی " بخش بخش شد . بهمان شکل که هر امپراطوری دیگر چه در گذشته و چه در آینده که عوامل پژمردگی و مردگی در آن قوت گیرند و از مسیر طبیعی تکامل خارج شود نابود خواهد شد . ولی باز متوجه باشیم که در مقایسه ها و مطابقه ها ، جنبه اطلاق بکار نبریم .

آری ، امپراطوری روم مرد ، در حالیکه برده های آنزمان آزادی یافتند و سرزمینهای  
پروستعی که تحت یوغ آن امپراطوری قرار داشتند یکی یکی ، راههای در پیش گرفتند  
که اگر در جهت عکس ارزشهای رومی قرار نداشت با آن ارزشها بیشک بیگانه بود .  
امپراطوری بریتانیای کبیر تحلیل رفت و آخرین نشانه های وسعت طلبانه خود را  
حد اکثر تا ۱۹۷۱ از شرق برمی چینید . نمودارهای انحطاط فکری و تمدنی از هم  
اکنون در نسل کنونی خود جزیره هویدا است . می نی ژوپ و "جنش" هی پی و  
ال اس - د اگر از ابتدائی ترین علائم بیماری عمیق انگلستان نباشند دست کم  
نشانه عصیان نسلی است علیه ارزشهای حاکم بر جامعه . نسلی که طفیان نموده ولی  
یک طفیان منحط . نسلی که قادر نیست ارزشهای جدید بیافریند و سقوط  
امپراطوری و اضمحلال دوران سیادت مطلق پدران خود را با خلق نگارهای یک تمدن  
نوجبران کنند . و تیره بخت کمآنیکه هنوز تابع کور و تابع بلا شرط غریبند و از ظواهر  
پوسیده یک تمدن که از سرتا ته با تمدن و قالب ارزشهای آنان تفاوت دارد بعنوان آخرین  
فراورده ها و ارزنده ترین دست آوردهای یک جامعه سالم ! تقلید می کنند .  
حال با نگاهی سریع ، بیسینیم امپراطوری بریتانیا در هند ، در چین ، در مصر  
و در جاهای دیگر از خود چه برجای گذاشته است . چه ارزش و چه درگونی در ساختمان  
تمدنی این جوامع بوجود آورده است . تقریباً هیچ چیز .  
حضور سلط و غالب انگلیسی در شرق و در طول چند قرن ، جامعه های کهن شرقی  
را سائیده اما نتوانسته است تمدن و غالب ارزشهای چینی ، هندی و یا مصری را از ارزش  
ببندازد و برجای آن قالب ارزشها و تمدن دیگری که ساخته خود انگلیسی باشد جانشین  
آن سازد . این شکست از اینجا ناشی نمیشود که انگلیسی نخواستہ باشد که چنین تغییری  
در جوامع تحت سیطره بوقوع بپیوندد و یا درصد انجام آن نباشد ، بعکس هدف عمیق  
و اساسی او بوجود آوردن این درگونی بوده و در آن راه از هیچگونه تلاشی فروگذار  
نکرده است . منتهی ارزشهای قدیمی چین ، هند ، مصر قویتر و بالنتیجه پابرجاتر از  
ارزشهای انگلیسی بوده اند . بعبارت دیگر ملل تحت سیطره از لحاظ سیاسی و نظامی  
مغلوب شده اند اما از لحاظ ارزشی از گزند مصون باقی مانده اند . و بخش اعظمی  
از تمدن اصلی شان را همچنان حفظ کرده اند که عمین نگهداری سبب بیداری سیاسی  
آنان شده و موجبات راندن استعمارگر را فراهم آورده اند و امروز بزشتی از استعمارگر  
یاد می کنند .

ارزشهای غربی ، بی تعصب باید گفت ، ارزشهای کم قیمتی بودند . کوه درخشان  
تمدن غرب ، مسیحیت بود . مسیحیت مسخ شده که تانیمه راه بیشتر تاب نیاورد و

همانطور که امروز می بینیم میدان را بسود مارکسیسم تدریجا خالی میکند. و در آنجاها که باقی مانده متحجر شده، رنگ ریا و تظاهر گرفت، و آلت دست این و آن گردیده است.

### اما تمدن اسلامی چه کرد؟

تمدن اسلامی، دست کم در دوران های اولیه، هدفش ملطه؛ صرفا سیاسی و اقتصادی نبود. اسلام طرحی نبود که ساختمان یک دولت استعمارگر و استثمارکن را بیفکند که بوسیله آن بخواهد براراضی جدید دست یابد و مردمان بومی را بتسمه بکشد. بلکه اسلام در معنی، مجموعه ای از ارزشهای نواست که در صدر برآمده تا زیر بنای اجتماعی و فکری را در کون سازد. استعدادها را شکوفا کند تا خود انسان، در قالب ابدیت آن ارزشها، خلاق و آفریننده گردد و بانها جان تازه بخشید. از پژمردگی و کهنوت خود و اجتماع نیز جلوگیری شود. گذشته نشان داد که امپراطوری اسلام که تازه تا اندازه زیادی از اصول اولیه این منحرف شده بود ولی باوجود این ارزشهای اسلامی را کم و بیش معرفی میکرد در بخشهای از امپراطوری که در اثر حملات خارجی مجبور بعقب نشینی شد کسی پرچم اسلام را ندرید و آنطور که امروز شاهدیم استعمارزدگان لعن ابدی به استعمارکنندگان میفرستند کسی از اصول مسلمانی متنفر نشد و اصولا در پدیده استعمار زده و استعمارگر وجود خارجی نداشتند. حال که منصفانه قضاوت میکنیم باید اعتراف کنیم که اگر مسأله استعمار وجود نداشت، در عوض استثمار مسلمین بوسیله قدرتمندانی که نام "مسلمان" برخورد نهاده بودند موجود بود و هنوز هم در بسیاری از جوامع اسلامی موجود هست اما باید گفت که استثمار در قالب ارزشهای اسلامی فرصت ظهور ندارد و آنانکه در پیکان را در محیط اسلامی استثمار میکرد و میکند طبیعت عملشان بر پایه و باستاند و قواعد اسلامی نیست بلکه پدیده ای است غیر معمول و استثنائی و حال آنکه نظام بهره کشی در بطن ساختمان "ارزشی" غرب و نتیجه نوع روابط انسانی در جامعه های غربی است.

مشکل سیاسی و ظاهری اسلام از هرجا که رفت، خلایق مانند خلایق که امروز بیرون رفتن انگلیسها و فرانسویها موجب میشود بوجود نیآورد بلکه اگر فرمانروای اسلامی خلیفه ( باتمام نقائص و انحرافاتش) رفعت، ارزشهای اسلامی برجای باقی ماند و بر ارزشهای کهن و تمدنهای بزرگی مانند امپراطوری ایران ساسانی و مصر فراعنه چیرگی جست. آئین ظالم و مستمگر و استعمارگر نشد که بارتقت او، اسلام هم جاروب بشود بلکه بعکس، جهان بیسنی انسانها را تغییر داد و دید تازه ای بانان بخشید.

حال یسوءالی که در ابتدای مقال کردیم برگرذیم . آیا هر تمدنی و هر قالبی از ارزشها پس از سیر دران کودکی ، جوانی و کهولت جبراً محکوم بمرگ و نیستی است؟ با تحلیلی که در بالا شد ، تمدنها را نمیتوان بدو دسته تقسیم کرد . تمدنهائی که در نتیجه مظالم مادی صرف بوجود میآیند و هدفشان کسب هرچه بیشتر سود و آفائی است . مانند امپراطوری روم ، اسپانیا ، هلند ، فرانسه ، بریتانیا و آمریکای کنونی . ایندسته از تمدنها ، امپراطوریهها گسترش و درخشندگی شان گرچه بسود گروه و یا گروههای معینی است اما در جمع ، بزیان و حتی نابودی گروه اعظم انسانها تمام میشود . این امپراطوریهها تا آنجا پیش میروند که انبوه انسانهائی که بزیان و نابودی آنان پیشروی امپراطوری حاصل میشود بیدار نشده باشند . بحض بیدار شدن بلافاصله پس از آنکه مردمان تحت رقیقت موضع خود را بشناسند دران انحطاط چنین امپراطوریهها آغاز می شود و ضریب کهولت رو ببالا میرود .

اگر کهولت امروز بریتانیا از بدیهیات است ، روش ضد تمدنی آمریکا بنفسه اولین علائم بیماری عمیق جامعه مذکور را نشان میدهد . در عوض ، تمدنهائی که تنها بر پایه منافع مادی برپا نشده اند بلکه بر سیمان ارزشهای انسانی ، ابدی و یا بتعبیر اسلام خدائی پای گرفته اند کهولت پذیر هستند اما از بین رفتنی نیستند . از این قبیلند تمدن قدیم چین ، هند و از همه برجسته تر اصول اسلام .

توین بی حق دارد که بگوید امکان و احتمال زنده کردن تمدن وجود دارد . حاشیه ای که می توان برگرفته اوزد آنستکه تنها تمدنهائی چنین قابلیت را دارند که جز گروه اخیر باشند . بشرط آنکه وجهای بلندی بوجود آید تا سواحل تشنه آنانرا سیراب سازد . امروز چنین وجهای " خود جوش " و شکننده چه در چین و چه در " اسلام جوان " رخ نموده اند .

فروردین ۱۳۴۷

" میم میم "

" انسان در استعداد محدود نیست و بهر حد و نهایتی  
رسد آغاز بی نهایت است "

طالقانی

# کلیسا و استعمار

در شماره های اخیر مجله "فردوسی" و "باشاد" چاپ تهران، مقاله ای بود ترجمه شده از منابع خارجی! درباره اینکه گویا هم اکنون "کلیسا در مقابل دیکتاتورها" قرار گرفته است و آنوقت شاعدی که برای اثبات مدعا آورده بودند عکس با نام چند اسقفی بود که چند تراکت و اعلامیه ضد دولتی در ماشین کادریلاک خود داشته اند، بدون آنکه اشاره ای بانگیزه های اصلی قیام حضرات اساقفه! و تضاد های طبقاتی موجود در جوامع غربی، نموده باشند.

ما با صرف نظر از ماهیت آن منابع خارجی که مطلب مجلات روشنفکرانه! ما از آنها گرفته شده بود، میخواستیم برای نسل جدید حقیقتی را افشا کرده و ماهیت ننگین استعماری میسیونرهای مسیحی در کشورهای آفریقائی و آسیائی و حتی آمریکای لاتین را روشن سازیم و بطور اجمال نشان دهیم که کلیسا از بد و پیدایش و توسعه، همیشه در خدمت قدرتها و دیکتاتورها بوده است و این تنها شرایط و امکانات زمانی و مکانی است که در شکی و فیافه کار، تغییراتی داده است.

این نکته را نیز یاد آور شویم که انگیزه ما در نوشتن این سطور آن نیست که از نقطه نظر عقیدتی با کلیسا و مذهبی بنام مسیحیت مخلفیم و اصول یا مراسمی بنام "پسریکانه خدا" و "خدای سه گانه" یا "شراب و نان" و "مغفرت فروشی" و "رهبانیت" و "عدم جواز طلاق در زندگی زناشویی بطور مطلق" را موهوم میدانیم و یا حاضر نیستیم که طبق تعلیمات انجیل اگر کسی بصورت راستمان سیلی زد طرف چپ را هم جلو بیاوریم و اگر عبايمان را بردند ردای خود را هم باو ببخشیم، بلکه چون جسته و کریخته در بعضی مجلات و روزنامه های فارسی میخوانیم که گویا دیگر کلیسا و پدران روحانی، بویژه واتیکان از سیاست خشن گذشته و همکاری با دیکتاتورها صرف نظر کرده اند و یا دیگر با پیشرفت علم مخالفتی ندارند، خواستیم برای نسل جدید بگوئیم که این افسانه ها را باور نکنند، زیرا چنانکه خواهیم دید کلیسا نه تنها با استعمار و امپریالیسم جهانی همکاری و همفکری کامل دارد، بلکه هنوز مانند قرون وسطی با پیشرفت علوم و ترقیات بشری مخالفت میورزند (برای نمونه تحریم استعمال



قره‌های بازدارنده از تکثیر نسل و عدم تجویز پیوند اعضاء انسان مرده به انسان زنده و یا فتوای عدم امکان جدائی بین زن و شوهر را میتوان نام برد .

\* \* \*

شما تاریخ پیدایش استعمار غرب مسیحی را در هرکشوری که ورق بزنید ، نخست انگشت پدران روحانی و میسیونهای مذهبی را خواهید یافت "نهر" در کتاب "نگاهی بتاریخ جهان" ترجمه آقای تفضلی صفحه ۱۴۵ پس از آنکه مبلغان مذهبی مسیحی را عمال امپریالیسم معرفی میکند، می نویسد : " ابتدا مبلغان مذهبی و بد نیال آن کستی های جنگی می آیند و بعد هم تصرف اراضی شروع میشود " .

۱۰۰۰ اصولا تاریخ گذشته را کنار بگذاریم و رویدادهای ربع قرن اخیر و حوادث عصر خود را مرور کنیم . . . در همین ۲۵ سال گذشته وضع کلیسا و در رأس آنها پاپ و واتیکان در برابر ظلم و فساد و استعمار و استثمار دیکتاتوری و وحشیگری جنگ و تهاهی چه بوده است ؟

در آن هنگام که هیتلر بساط آدم سوزی راه انداخته بود و مردم اروپای شرقی را قتل عام میکرد ، جناب پاپ " پیوس دوازدهم " با حکومت فاشیستی آلمان نزد عشق می باخت و گروه بالت " برلن " را به " واتیکان " دعوت میکرد و بحضور می پذیرفت و در ضمن مشاعده رقص و آواز گروه بالت برلن ، لابد " جلال پسر یگانه خداوند " را میدید این خوشگذرانی لابد مشروع ، اگر در زمانی بود که هرروز صدها هزار نفر در اثر جنگ و حشیانه ملتهای مسیحی کشته نمی شدند ، ما را اعتراض نبود ، زیرا عقده های محرومیت های جنسی ناشی از عدم ازدواج پدران روحانی ، بالاخره باید از یک راهی سر باز کنند و برطرف شوند ، ولی اشکال کار در آنست که این روابط صمیمانه جناب پاپ و آلمان هیتلری ، درست در موقعی بمرحله حساس و گرم خود رسیده بود که ملل مسیحی اروپا در زیر بار سنگین جنگ جان میدادند .

مورخی جوان با اسناد و مدارکی فراوان در این باره کتابی منتشر ساخته که قسمتهائی از آن توسط دکتر مهدی سمسار ترجمه شده و تحت عنوان " واتیکان و رایش سوم " منتشر گشته است که مطالعه آن عمر انسان باوجدانی را تکان داده و می لرزاند .

\* \* \*

بعد از جنگ جهانی دوم نهضت های رهائی بخش ملی در کشورهای آسیایی و آفریقائی و آمریکای لاتین شکل گرفت و مردم استعمار زده و استثمار شده این سرزمینها برای رهائی از یوغ بردگی سیاسی و اقتصادی بپا خواسته در مقابل دیکتاتورهای داخلی

از قبیل "باتیستا" یا استعمار خارجی از قبیل انگلیس، فرانسه و آمریکا، اسلحه بدست گرفتند، ولی باید پرسید نقش کلیسا و پدران روحانی در دفاع از ملل محروم در قبال تجاوز و ستم چه بود؟

عبارت دیگر در آن هنگام که الجزایر، کنگو، ویتنام، موزامبیک، آنکولا و یا در آن سوی دریاها: کوبا، دومینیکن، بولیوی بپا خواستند تا حق قانونی و مشروع خود را از تبهکاران پس بگیرند، اقدام و کمک کلیسا بر این جهاد های مقدس چه بود؟ کدام پدر روحانی و کلیسای فرانسه یا آمریکائی از نهضت الجزایر پشتیبانی کرد و گسترار وحشیانه یک میلیون انسان را تقبیح نمود؟

البته ما میدانیم که مردم الجزایر چون مسلمان بودند، واجب القتل بشمار میرفتند! و از نظر منطق کسانی که جنگهای وحشیانه صلیبی را راه انداختند، دفاع از ملتی مسلمان، اصولا معقول نیست و لابد هرچه بیشتر از اینگونه کفار! که کشته می شدند، بسود آرمان مقدس عیسی مسیح بوده و یا نشانه محبت و صلحی بوده که مسیح بخاطر آن گویا مصلوب گشته بود!

ولی میپرسیم که در کنگو چی؟ کنگو که بضرر دگنک بلژیک و دهها میسیون خارجی، نیمه مسیحی شده، چرا باید سرکوب شود و مردم آن قتل عام گردند؟ شرم آور است که بدانیم در این گسترار وحشیانه، پدران روحانی نیز سهمی داشته اند، زیرا طبق نوشته "مایک" دیوانه فرمانده مزدوران سفید پوست در دوران حکومت چومبه در قتل عام جوانان آزاد یخواره ایالت عوادار لومومبای قهرمان، پدران روحانی و اعضاء میسیونهای خارجی، بعلت آشنائی با محل و راه و چاه، مزدوران را راهبری میکرد هاند. و بی جهت نبود که لومومبا تا روی کار آمد دست این حضرات را گرفت و بیرون راند و رسماً اعلام داشت که بعضی از این پدران روحانی، در ارتش بلژیک درجه سرعنگی داشته اند و در قبال این اقدام، بخاطر داریم که جناب چومبه کتیف و قاتل لومومبا در سفر خود به واتیکان مورد تشویق و تقدیر جناب پاپ قرار گرفت و جای شگفتی است که چرا مدال محبت و صلح دریافت نداشت! در کوبا هم پس از سرنگونی باتیستا و برچیده شدن بساط فساد و تباهی، فیدل کاسترو و چگوارا (یادش بزرگ باد) عذر پدران روحانی خارجی، بویژه اعضاء میسیونهای آمریکائی را خواستند برای آنکه گروهی از آن بشر دوستان نیکوکار! عضو سیا و اف بی آی آمریکا بودند.

در ویتنام، چه آنکه که شمالیها علیه استعمار فرانسه میجنگیدند و چه امروز که جنوبیها "ویت کنک" علیه امپریالیسم آمریکا می جنگند، پدران روحانی و کلیسا، کوچکترین اعتراضی را علیه وحشیگریها و آدمکشیهای سربازان میسحی غربی،

نموده اند و حتی جناب اسقف " استیلین " اسقف اعظم نیویورک ( که یکی دو ماه پیش بطور ناگهانی درگذشت ) پس از دیدار رسمی از ویتنام و تشویق فرماندهان نظامی آمریکا با دامه چنگ، چتربازان آمریکائی را (( سربازان مسیح )) نامید ! و بیشک در جائیکه چتربازان آمریکائی " سربازان مسیح " باشند، لابد خلبانان آمریکائی عم " حواریون پسر یگانه خداوند " خواهند بود ! . . .

راستی مگر در خود آمریکا با سیاهپوستان مسیحی چه رفتاری دارند که ماتوقع داریم در جنوب شرقی آسیا یا آفریقا، با ملل دیگر روش دشمنانه‌ای نداشته باشند؟ . . . لابد میدانید که در آمریکا سیاه مسیحی بجرم رنگ سیاهش، در کلیسای سفیدان چشم زاع راه ندارند، گوئی که از نظر پدران روحانی، خدای سیاه و سفید هم یکسان نیست و تازه با این وضع ادعا دارند که "عیسی محبت است" ! یا عیسی مصلوب شد که ما را نجات بخشد و افسانه هائی از این قماش !

\* \* \*

دهها سال است که در اسپانیا دیکتاتوری بنام ژنرال فرانکو روی کار آمده که هرگونه قانون و آزادی را پایمال ساخته ولی کلیسا تاکنون عکس العملی جدی از خود نشان نداده است .

در یونان وقتی حکومت ملی " پاپاند ریو " شرنگون شد و آزادی مردم بوسلیه سرهنگهای قداره بند پایمال گردید، اسقفها و کلیسا بجنب و جوش نیاقتادند، بلکه هنگامی اسقف " آتن " به " رم " پرواز کرد که تضاد طبقاتی گروه حاکمه یونان، باعث شده بود " کنستانتین " از یونان خارج شود، و این رفت و آمد ها را هرگز نمیتوان بحساب ملت و یا صف آرائی در مقابل دیکتاتوری قلمداد کرد، زیرا سرهنگها اکنون ماههاست که به یونان حکومت میکنند و اسقفها و کلیسا را با آنها کاری نبود؟ آخر مگر نه اینست که آنها " پدر روحانی ! " بودند و پدر روحانی را با سیاست کاری نیست؟ ، مگر آنکه سرهنگها در برابر کنستانتین قرار گیرند ! . . .

در خاورمیانه، تاکنون نقش کلیسا چه بوده است؟ در تجاوز اخیر اسرائیل و امپریالیسم بر ملل عرب و مسلمان کدام اسقف غربی از ملل ستم دیده عرب و یک میلیون آواره مسلمان دفاع و پشتیبانی کرد و کدام کلیسائی کشتار پنجاه هزار مسلمان را در اردن، مصر و سوریه تقبیح نمود؟ . . . در عوض کینه های پنهانی جنگهای صلیبی، شعله ور شد و جناب پاپ خواستار "بین المللی شدن بیت المقدس" گردید و آنرا رسماً اعلام فرمود !

این امر یعنی چه؟ یعنی ملتی را در عصر فضا و در پناه سازمان ملل متحد

و به پشتیبانی امپریالیسم ، سرکوب میسازند ، میکشند ، و در در و آواره میسازند — و بایب ناپالم می سوزانند سپس شهرهای تصرف شده را تقسیم میکنند . یکی برای تکمیل امپراطوری عبری ( یهودی ) ! و یکی دیگر برای اطفاء هوس و برپا دارندگان جنگهای صلیبی ! ...

\* \* \*

بی مناسبت نیست از کشتارهای دیگر نام ببریم که آتش معرکه آنها مسیحیان روشن ساخته اند : در نیجریه ایالت شرقی ، که مسیحی نشین بود به پشتیبانی بیگانگان اعلام استقلال شد و خود را " جمهوری بیافرا " نامیده است زیرا اکثریت مردم نیجریه مسلمان هستند و گویا این اکثریت برای اقلیت مسیحی ساکن شرق نیجریه ، قابل هضم نبوده است . بارها پدران روحانی اعلام داشته بودند که اقلیت مسیحی ساکن شرق نیجریه ، نمیتوانند در چهارچوب فدرال نیجریه مسلمان ، زندگی کنند ! ...

و برای همین منظور عم دوسال پیش حاج احمد ویللو و حاج ابوبکر تفالو

نخست وزیر نیجریه و نخست وزیر فدرال نیجریه را بوسیله چند سرهنگ مسیحی کشتند ، ولی چون این کودکان نتوانست هوس پدران روحانی را خاموش سازد ، ایالت شرقی اعلام استقلال نمود و هنگامیکه ایالت غربی هم خواست اعلام استقلال نماید ، مورد حمله قوای حکومت مرکزی قرار گرفت و ۱۵۰ نفر از پدران روحانی کاتولیک در بین باغیان ایالت غربی دستگیر شدند ! آیا بنظر شما این یک تصادف است ؟ و یا

امپریالیسم بهمکاری پدران روحانی نقشه های عمیق و اساسی برای قاره سیاه کشیده اند ؟

اگر در جنوب سودان که مسیحی نشین است ، پدران روحانی مردم را مسلح

نمیساختند و جنگ تجزیه طلبانه ای را براه نمی انداختند ، اگر در حبشه و در زیر

سایه اعلیحضرت ! " هیلاسلاسی " بزور سرنیزه مردم مسلمان را غسل تعمید " نمیدادند ،

اگر در چاد " و " موزامبیک " و " آنکولا " و " رواندهی " و یا سرزمینهای جدید

الاستقلال آفریقا ، مسلمانان را تار و مار نمیکردند ، ما میتوانستیم حادثه نیجریه را

تصادفی بدانیم ، ولی واقعیت های موجود در قاره سیاه بخوبی روشن میسازد که

کلیسا در پناه " استعمار " به جنگ صلیبی سیاه دیگری دست زده است که شکل

آنها مطابق خواست نئوکلینالیسم تغییر داده است .

\* \* \*

برای نشان دادن روابط شرم آور کلیسا و سازمانهای امپریالیستی ، کافیت باین

نکنه نیز اشاره کنیم که اخیراً ، پس از سروصدای کمکهای سازمان " سیا " به

انجمنهای دانشجویی در آمریکا ، آمار دیگری در جراید آمریکا منتشر کردید که

نشان میداد بسیاری از سازمانهای مذهبی مسیحی نیز از کمکهای بیدریغ این سازمان بهره مند بوده اند. که ما متن روزنامه های آمریکائی را در این زمینه در بایکانسی مربوطه، کرد آورده ایم که اگر روزی بتوان رساله: "پیوند امپریالیسم با میسیونهای مذهبی" را منتشر ساخت، بخوبی خواهید دید که چگونه "کلیسا در مقابل دیکتاتورها قرار گرفته است! . . . برای نمونه نام یکی از آنها را می نویسیم:

روزنامه Sunday Star - ledger در شماره مورخ ۲۱ مای ۱۹۶۷ خود شرح میدهد که چگونه سازمان زنان جوان مسیحی YWCA و مردان جوان مسیحی YMCA که از فعالترین سازمانهای مذهبی مسیحی در آمریکا و بلکه در سراسر دنیا است، از کمکهای بیدریغ CIA بهره مند بوده است. بنظر شما آیا عمین نمونه، برای کشف ماهیت مسئله کافی نیست؟ . . .

\* \* \*

اصولا کلیسا نه در گذشته و نه امروز، هیچوقت طرفدار آزادی، استقلال، عدالت و حقوق مردم، برجیدن بساط ظلم و تباهی نبوده است. در گذشته، تاریخ بما نشان میدهد که کلیسا و پدران روحانی بنام مذهب، بزرگترین و ننگین ترین جنایت تاریخ بشری را مرتکب شده اند و در قرون وسطی و پس از آن کارهایی انجام داده اند که صفحات تاریخ را سیاه کرده است. . . . ما در این باره تعصبی بخرج نمیدیم و یک فرد "دگم" و جامدی هم نیستیم بلکه این یک واقعیت تاریخی است که بازگو میکنیم و اگر اجازه دهید، برای اثبات آن جملاتی چند از "برتراند راسل" نقل میکنیم که در کتاب "چرا من یک مسیحی نیستم"؟ آنرا بیان داشته است:

راسل در کتاب Why I am not a Christian چاپ نیویورک، میگوید:

"در عصر باصلاح ایمان وقتی که مردم به تمامیت کیش مسیحی اعتقاد داشتند، انگیزسیون با آنهمه شکنجه ها و آزارها مشغول کار بود. میسیونها زن و مرد بد بخت بعنوان جادوگری طعمه آتش میساختند و انواع ستمگریها، بنام دین بر عصب طبقات مردم تحمیل میکنند. عنکامیکه بکوشه و کنار جهان نظر اندازید، می بینید که هر نره ای از ترقیات که بفکر بشر میرسد و هر اصلاحی را که در قانون جزا میکردند و هر گامی را که برای از بین بردن جنگ بر میداشتند و یا هر قدمی را که برای بهبود حال نژاد سیاه یا تخفیف مظالم بردگی عرضه میداشتند و هر پیشرفت اخلاقی که در جهان وجود داشت، بطور پی کبر در معرض مخالفت سازمانهای کلیسا قرار می گرفت ما پس از تحقیق و بررسی میگویم: مسیحیت بطوریکه در کلیسا ها سازمان یافته همیشه دشمن ترقیات در جهان بوده و خواهد بود . . ."

هم از نقطه نظر تاریخ ، و هم از نظر امروز رویدادها و تراژدیهای عصر ما ، بطور قاطع ثابت میکند که مسیحیت و کلیسا ، سیاستی را که عیسی مسیح بعهده داشت نه تنها انجام نمیدهند ، بلکه درست در نقطه مقابل آرمانهای مقدس عیسی مسیح پیامبر پاک خدا قرار گرفته است .

عیسی برای آرامش «کران باران ورنجبران » بتصریح انجیل موجود ، میکوشید ولی مدعیان نیابت مقام عیسی ، همیشه برای آرامش « سرمایه داران و سودپرستان » کوشیده اند و متأسفانه واکنش این وضع ، از نظر گروهی ، آلوده دانستن مذهب بطور مطلق « کشته است و حتی با صرف نظر از عواید آن اصول مادیگری مسیحیانی نظیر برتراند راسل میکوشند که پس از تبرئه خود از مسیحی بودن ، مذهب را بطور کلی مضرود بدانند ، زیرا متأسفانه آنان در اثر وارونه گوییهای پدران روحانی ، با مذهبی چون « اسلام » هم آشنا نشده اند .

واکنش این چنین مسیحیت و کلیسائی ، در آمریکا این شده است که « راپ براون » رهبر جوان سیاهپوست آمریکائی ، اخیراً طی مصاحبه ای گفت : « . . . در مورد مذهب باید بگویم اگر مسیح هم سیاه میشد ، من حاضر نبودم مسیحی باشم . جهان غرب از این مذهب تاکنون استفاده سیاسی نموده است . هر وقت سیاهان آمریکا را قتل عام میکردند ، برای خاموش کردن مردم فوراً يك نفر کشیش را با صلیب میان آنان می فرستادند تا احساسات تحریک شده را خاموش و آرام کنند .

ما نه به کشیش احتیاج داریم و نه به صلیب ! چهارصد سال است که در آمریکا از مذهب مسیحیت استفاده میکنند و از سیاهان میخواهند که در مقابل جور و ستم ، صبر و شکیبائی و تحمل بخرچ دهند ، یعنی از این مذهب ، در طول این مدت فقط بعنوان وسیله جور و ستم استفاده شده است .

ما بعد از این ، جواب قتل عام را با قتل و عام خواهیم داد . . . » این بود سخن راپ براون و بیشک چنین است تنها راه نجات سیاهان آمریکا و ملل آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین . . . و سازش با تغییر شکل و آشتی با چهره های شناخته شده ای که ماسکی بخود زده اند ، اشتباهی است بزرگ . . . و البته وارونه جلوه دادن این حقیقتها نیز خود گناهیست نابخشودنی ! چه در « فردوسی » و « بامشاد » و چه در جای دیگر . . .



# اقتصاد اسلامی

## بخش نهم

روبنای عملی یا «شریعت» اقتصاد اسلام

### خلاصه شماره نهمی قبل

در دو شماره قبل - بخش های اول و دوم گفته شد که اسلام بعنوان یک مکتب و ایدئولوژی جهانی در تمام زمینه های حیات بشری اظهار نظر مینماید و راه حل های خود را بطور قاطع عرضه مینماید . مطالعه ، بحث و داوری در باره یک قسمت از این ایدئولوژی بدون در نظر گرفتن روابط متقابل میان قسمت های مختلف موجب نتیجه گیریهای ناروا و غلط خواهد شد . از نظر رابطه ایکه میان اقتصاد و سایر جنبه های فردی و اجتماعی وجود دارد اشاره شد که اسلام میکوشد ابتدا یک محتوای سالم برای جامعه بسازد - و سپس برای حفظ و استمرار خلوص جامعه و سلامتی آن ، سیستم اقتصادی خود را مستقر می سازد . و عردوی اینها لازم و ملزوم هستند .

توضیح داده شد که مسائل عملی در هر مکتب اقتصادی با جهان بینی کلی آن مکتب رابطه دارد . نمی توان این دورا بدون یک دیگر مطالعه کرد . میان مسائل عملی اقتصادی و جهان بینی کلی یک مکتب اصیل نباید تضاد یا تناقض وجود داشته باشد . وجود هم انگیزی یا تناقض و تضاد درونی میان جهان بینی اقتصادی حاکم بر جامعه با مسائل عملی که بشریت با آن روبروست و یا جامعه در طی تطورات خود با آنها سروکار پیدا می کند و راه حل هایی که برای حل مشکلات انتخاب میگردد عامل اصلی در بقا و یا شکست آن سیستم اقتصادی می باشد .

ولذا برای یک مکتب اصیل که ادعای جهانی بودن را دارد و برای هدایت بشر در زمانها و مکانهای متفاوت و متضاد برنامه ارائه میدهد ، مشکلی اساسی که با آن روبرو می گردد آن خواهد بود که چگونه اصول اقتصادی خود را با شرایط متفاوت و گاه متضاد تطبیق دهد ، بدون آنکه در غی این تطورات بران اصول خدشه وارد آید . یا آنکه " تطابق " منجر به تغییرات در زیر بنای اصلی نگردد . در این باره اضافه کردیم که اسلام با مهارت مشکلات را پیش بینی کرده است . و راه حل خود را بر اساس " تغییر ناپذیر بودن شریعت " بعنوان یک عنصر جامد و لایتغیر و فقه بعنوان یک عنصر سیال و متجدد و تابع زمان و مکان ارائه میدهد .

سپس در بخش دوم ما طی بررسی جهان بینی اسلام در باره بشر و جامعه و مسائل اقتصادی نشان دادیم که از نظر اسلامی :

- ۱ - مالکیت اصلی و نهائی از آن خداست .
- ۲ - بشر - جامعه - جانشین و خلیفه خدا در روی زمین است . و حق مالکیت خداوند در تحت " شرایط " جامعه برای " استفاده " و بهره برداری " بمنظور " رفع احتیاجات " " تفویض " شده است . بعبارت دیگر " مال مال الله و انسان خلیفه الله است "

۳ - حکومت اسلامی - که باید منتخب مردم و اجرا کننده دستورات خداوند باشد، این تفویض و وکالت را بطور "مشروط" در خود متبلور و متجلی می سازد. این "تفویض مشروط" یا "وکالت مشروط" از یک طرف پایه "قدرت و بی قدرتی" دولت اسلامی و از طرف دیگر زیر بنای حق انقلاب و وطنیان مردم را در جامعه اسلامی استوار می سازد.

۴ - چون خداوند تامین روزی تمام موجودات روی زمین را بدون تبعیض یا حب و بغض "تضمین و بیمه" کرده است. جانشین خداوند - جامعه - چه بصورت دسته جمعی و چه از طریق نماینده خود - دولت اسلامی - موظف و مجبور است "زندگی" کلیه افراد و اعضای جامعه را - صرف نظر از رنگ - نژاد و مذهب و غیره - تامین و بیمه نماید.

۵ - مالکیت بصورت محدود، بعنوان یک "احتیاج" نفسانی شناخته شده است که باید "ارضاء" گردد. این مالکیت محدود و مشروط است و "به تقریر شارع" ثابت می شود. حدود و شرایط آن در سطح کلی با "اصل لا ضرر و لا ضرار" تعیین شده است و در سطح عملی که تابع مقتضیات روز است برعهده حاکم و نماینده جامعه است که از طریق "فقه" آن شخص سازد. ۶ - اعضای جامعه موظف و مکلف هستند ( امر است و عبادت ) که باندازه وسع خود کارکنند و استعداد های خود را برای بهبود اقتصاد جامعه بکار اندازند. و این وظیفه دولت اسلامی است که شرایط مساعد برای رشد این استعدادها را فراهم سازد.

۷ - اعضای جامعه - افراد - جز باندازه "احتیاج" خود حق بهره برداری از حاصل کار خود را ندارند. جامعه و دولت موظف هستند احتیاجات اعضا و افراد خود را تامین و بیمه نمایند. سپس به مفهوم عدالت اجتماعی در اسلام و جنبه های اقتصادی رسالت و ماموریت انبیاء اشاره کردیم.

در این بخش ما بان غمت از اصول اقتصاد اسلامی که رهنمای عملی یا "شریعت اقتصادی اسلام" را تشکیل میدهد اشاره خواهم نمود. توجه به مفهوم و معنای "شریعت" در اینجا از جهاتی ضروری و لازم است. اولاً از آن جهت که این اصول شریعت ثابت و لایتغیر هستند. هیچ مقامی هیچ قدرتی حق تغییر و تصرف آنها را ندارد. ثانیاً = از جهت دیگر این بدان معناست که برای اجرای این اصول ما احتیاج به تدوین "فقه اقتصادی" داریم. بعبارت دیگر اصول شریعت اقتصاد اسلامی را باید با شرایط زمان و مکان تطبیق داد و این تطبیق ضرورت تدوین فقه اقتصادی را بیان می نماید. خواهم دید که چرا تدوین چنین فقه ضروری است. و چرا فقه اقتصادی اسلام - که یک فقه سنتی است در حال حاضر جوابگوی مسائل اقتصادی جامعه امروز نیست. و تنها ارزش راهنمایی را در تدوین فقه جدید اقتصادی اسلام دارد. و چرا محتوای این فقه مجبور است و باید در مکانهای مختلف حتی در یک کشور با هم تفاوت داشته باشد.

تذکر دیگری قبل از ورود به مطلب اصلی ضروری است. مطالبی که در این مقالات مطرح میگردند صرفاً جنبه بحث و تحقیق دارد نه جزم و حتم.



## شریعت اقتصاد اسلامی

اول: تکلیف منابع ثروت و تولید: دانسته شد که حق بهره برداری و استفاده از منابع ثروت و تولید بصورت "وکالت مشروط" به جامعه تفویض گردیده است. یکی از جنبه های این مشروطیت آن است که جامعه در بعضی از منابع ثروت و تولید می تواند این وکالت خود را به "افراد" جامعه تحت شرایطی برگزار نماید. در حالیکه در بعضی موارد و نسبت به بعضی از منابع ثروت جامعه حق چنین برگزاری را ندارد و لذا از این جهت مسئله بصورت زیر تقسیم می شود.

### ۱- ماعون = اشتراکیت در احتیاجات عامه

سوره ماعون: أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ - فَذَاكَ الَّذِي يُدْعُ الْبِئْسِمَ .  
 وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ - قَوْلٌ لِّلْمَصْلِينَ - الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يَرَوْنَ - وَيُضَعِفُونَ الْمَاعُونَ .

ترجمه: آیا دیدی کسی را که تکذیب ( نفی ) کرد روز جزا را - و او آن کس ( است ) که می راند یتیم را - و تحریص نمی کند ( مردم را ) بر اطعام مساکین .  
 - پس وای بر نمازگزاران ( از روی ریا ) آنها که در نمازشان کاهل هستند آنها ( هستند کسانی ) که ریا می کنند - و منع ( محروم ) می کنند ( مردم را )  
از ماعون .

در باره معنای ماعون گفته شده است که آن " ابزار و لوازم عمومی یا سرچشمه های زندگی هستند " ( ۱ ) کلیه افراد و اعضای جامعه در این ابزار و لوازم یا احتیاجات عامه " شریک " هستند . بعبارت دیگر اسلام برای احتیاجات عمومی که سرچشمه حیات کلیه اعضای جامعه می باشد معتقد به " اشتراکیت " است در معنای ماعون برخی آنرا نکات تفسیر کرده اند . خیلی ها این معنا را رد می کنند . تفسیر دیگری جمع هردو نظر را بیان می کند و آن اینکه " ماعون عبارتست از هر چیزی که بآدمی در انجام کار و رفع حاجاتش کمک نماید . مال و ثروت هم که کمک بزرگی در انجام مقاصد است ماعون گفته می شود . . . این است که مفسران هم نکات و هم ابزار و اثاث زندگی معنی کرده اند . " ( ۲ )

اصل شریعت اقتصادی این است که " مردم در کلیه احتیاجات اساسی "

۱- اسلام و مالکیت - علامه سید محمود طالقانی - شرکت انتشار

۲- تفسیر نوین - محمد تقی شریعتی - شرکت انتشار

از ابزار و لوازم عمومی ( تولیدی و غیر تولیدی ) و منابع ضروری زندگی " به نسبت و اقتضای هر عصر شریک باشند " ( ۱ ) . این یک اصل لایتغیر است . یعنی هیچ قدرتی نمی تواند براین اصل خدشه وارد سازد یا آنرا تغییر دهد . جامعه هم نمی تواند برای استفاده و بهره برداری از این احتیاجات و منابع به " افرادی " حق یا وکالت دهد . بعبارت دیگر مالکیت فردی و خصوصی نسبت به این منابع مطلقاً غیر قابل قبول است و بکلی مردود می باشد . تنها کاری که جامعه باید انجام دهد آنست که از طریق فقه نوع " ضروریات زندگی که بحسب زمانهای مختلف اختلاف پیدا می کند " ( ۲ ) تعیین نماید .

این احتیاجات نه تنها در زمانهای مختلف باهم فرق خواهند داشت بلکه در مملکتها و در یک کشور واحد نیز باهم متفاوت خواهند بود . مثلاً در صدر اسلام وقتی سئوال کردند جواب داده شد که :

الناس شركاء في الثلاث الماء والكلاء والنار - رسول اکرم ( ص )

" مردم در سه چیز با هم شریک هستند : آب - مراتع و منابع سوخت - در جامعه ابتدائی عرب - و حتی امروزه در قسمت اعظم عالم - آب و مراتع و سوخت از اساسی ترین و ابتدائی ترین ضروریات بشر است . براساس این اشتراکیت است که فقه سنتی اسلام در باره این سه احتیاج به شرح و بحث مبسوطی پرداخته است . مثلاً در باره آب آمده است " اگر کسی با " احياء " مالک چاهی شد و آب از آن درآمد باید بمقدار احتیاج خود و چاریانش از آن استفاده کند و مازاد آنرا برای رفع احتیاج دیگران مجاناً و بلاعوض بذل کند " . ( ۳ ) در همین نقل قول کوتاه به دو عامل توجه کنید یکی " احياء " بعنوان پایه مالکیت چاه - دیگری استفاده بقدر " احتیاج " .

اما در شرایط دنیای کنونی با پیشرفت وسایل تولید و صنایع مسلماً علاوه بر سه عامل بالا احتیاجات دیگری نیز وجود دارند که از سرچشمه های اساسی زندگی مردم می باشند - البته ما در مقام تدوین فقه اقتصادی نیستیم اما می توانیم برای روشن شدن مطلب نمونه هایی را ارائه دهیم . مثلاً در شهرهای بزرگ زندگی بدون آب و برق یا تلفن اگر غیر ممکن نباشد بسیار مشکل است لذا کار فقه اقتصادی است که اختیار این " احتیاجات عامه " را از دست عناصر

۱- برهان قران - صدر بلاغی

۲- عدالت اجتماعی در اسلام - سید قطب - ترجمه سید هادی خسروشاهی

۳- کتاب خلا ف - ج ۲ - ص ۲۲۵ - مرحوم شیخ طوسی

خصوصی خارج سازد ، در حالیکه در شهرهای کوچک یا دهات در بعضی از کشورها ممکن است مسئله برق و تلفن باندازه شهرهای بزرگ حاد نباشد . برعکس در دهات وسایل کشت و زرع - تراکتور و غیره مطرح است که فقه اقتصاد باید آنها را مطرح سازد .

## ۲ - ثروتهای عمومی - انفال

يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ - قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - انفال - ۱

"از تو راجع به انفال سؤال می کنند - بگو انفال مال خدا و رسول اوست . پس از خدا بترسید و میان (روابط) خودتان را اصلاح کنید - اطاعت کنید خدا و رسولش را - اگر شما گرونده هستید"

انفال جمع نفل یا نفل و در اینجا بمعنای بخشش است در کتب فقهی از انفال بمعنای - ما یختص بالامام یعنی هر آنچه که با ما م متعلق است - عنوان میکنند . ( ۱ )

اگرچه گروهی از فقها ( ۲ ) انفال را صرفاً غنائم جنگی ذکر کرده اند ، امّا مکتب تشیع این معنا را نپذیرفته است و معتقد است که غنائم جنگی یکی از منابع انفال است نه تنها مورد آن . بر اساس آنچه در کتب اسلامی ( ۳ ) آمده است . ثروتهای عمومی که به جامعه تعلق دارند عبارتند از :

- ۱- آنچه امام از غنائم جنگی انتخاب نماید .
- ۲- هر زمینی که بدون لشکر کشی بدست آید .
- ۳- زمین های موات و اراضی وسیع بیابانها - قلل کوهها و هر زمین بیصاحب و هر مکانی که ساکنانش آنجا را ترک کرده اند یا منقرض شده اند .
- ۴- مراتع - جنگلها - نیزارها - بیشه ها

---

۱- برای مطالعه کامل ترجوع کنید به کتابهای : انفال یا ثروتهای عمومی - نوشته علی غفوری - چاپ شرکت انتشار و برهان قران - صدر بلاغی - مالکیت در اسلام سید محمود طالقانی

- ۲- برادران سنی معتقدند که منظور از انفال تنها غنائم جنگی است - و بدنبال این اعتقاد است که در ترجمه انگلیسی قران نیز انفال را بهمین معنا Spoils یا Spoils of war ترجمه کرده اند که بنظر ما این معنا ناقض و گمراه کننده است .
- ۳- وسایل الشیعه - تألیف شیخ حر عاملی ۷۳ حدیث در باره انفال در چهار باب ذکر می کند . رجوع کنید به کتاب : " انفال یا ثروتهای عمومی - علی غفوری

۵- اشیاء و نفاث و اموال و املاک اختصاصی شاهان و سلاطین و یا املاک غیر غصبی که بدیگران واگذار کرده اند . ( ۱ )

۶- ارث کسانی که وارثی ندارند .

۷- آنچه بدون اذن امام عادل از دشمنان در جنگ گرفته شود .

۸- معادن - روی زمین و یا زیر زمین .

۹- درون رودخانه ها و اشجار و سایر محتویات آن

۱۰- طرق و شوارع و ملحقات آنها

۱۱- آب دریاها و کلیه منابع و ثروتهای حاصله از آن

۱۲- موقوفات عامه

۱۳- بازگشته ها ( فیئسی )

۱۴- اراضی مفتوح عنوه یا آن اراضی که بدست مسلمانان فتح شده

است . ( در فصل زمین بحث خواهیم کرد )

قسمتی از موارد بالا جزو انفال است و قسمتی جزو ثروتهای حکومت

است . ما همه را در اینجا جزو ثروتهای عمومی آورده ایم .

منظور از این " ثروتهای عمومی " آنست که اختیار نهائی این منابع و تولید

و ثروت که نام برده شده در دست جامعه و حکومت اسلامی است . با توجه

به بحث اصلی ما که جامعه جانشین خداست و همه چیز باو تعلق دارد ،

شاید چنین بنظر برسد که تنظیم و تدوین این منابع بعنوان " ثروتهای عمومی "

زائد باشد . اما تنظیم این ثروتها بصورت بالا اولاً تاکید اصل مطلب و اینک

چگونه تمام منابع اصلی ثروت - در اختیار جامعه و یا باصطلاح " ملی " است .

تفکیک دو مورد " ماعون " و " انفال " از یکدیگر ، باین علت است که در ماعون

همانطور که ذکر شد ، هیچ گونه مالکیت فردی خصوصی رسمیت شناخته

نمی شود . هیچ مقامی یا قدرتی حق ندارد احتیاجات عامه ( ماعون ) را در

تصرف فردی خود بگیرد یا آنرا بدیگری برگزار کند . هم چنین تحت هیچ

---

۱- املاک یا اموال غصبی البته باید بصاحبانش برگردد . و اگر صاحبانشان

نا معلوم یا معدوم شده باشند به بیت المال یا خزانه دولت برمی گردد . مینویسند

که یکی از خلفای عباسی املاک مردم را بزور می گرفت و سپس برای آنکه فرزندش

محبوبیت پیدا کند سفارش میکرد که فرزندش املاک غصبی را به صاحبان

اصلی رد کند یا مردم به بخشند؟! ! .

شرایطی فقه نمی تواند مقرراتی برای خصوصی کردن احتیاجات وضع نماید در حالیکه برای ثروتهای عامه چنین نیست . جامعه در عین حال که صاحب اختیار این ثروتهای عمومی است ، می تواند مطابق مصلحت و منافع خود آنها را در اختیار عناصر خصوصی بگذارد یا از تسلط عناصر خصوصی خارج سازد - مثلا یکی از ارکان انفال معادن است . در جزو معادن ، نفت و گچ و نمک را در نظر میگیریم اولی بخاطر اهمیت آن نمی توان بدست سرمایه داران خصوصی سپرده شود . در حالیکه برای معدن گچ و نمک ممکن است فقه شرایطی را پیش بینی کند که تحت آن شرایط افراد به بهره برداری خصوصی از معادن گچ به پردازند . این تفاوت نه تنها در مورد انواع معادن دیده می شود بلکه در سرزمینهای مختلف نیز تفاوت می کند . مثلا در حالیکه در گویت - نفت منبع درآمد اصلی است ، در یمن که نفت نیست ، نمک بزرگترین منبع درآمد ملی است . لذا رأی فقه اقتصاد ی درباره معدن نمک در ایران و یمن نمی تواند یکسان باشد .

### ۳ - اموال عمومی - فیئی

فیئی از نظر لغوی یعنی بازگشت - و در اصطلاح " شریعت اقتصادی " اسلام یعنی ( اموال و املاکی که یکسره از ملکیت افراد بیرون آمده و باموال عمومی بازگشته است - هر نوع تصرف مالکانه فردی یا نقل و انتقال در آنها جایز نیست )<sup>(۱)</sup>

" وما افاة الله على رسوله من اهل القرى قلله وللرسول ولذی القربى و  
" الیتامى والمساکین وابن السبیل، کى لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم  
" وما اتیکم الرسول فخذوه وما نهیکم عنه فانتهوا واتقوا الله -  
" ان الله شدید العقاب . (سوره حشر آیه ۶) "

ترجمه : " آنچه از سرزمین های دهداران ( دهکده ها ) خداوند برسول خود بازگرداند ( یا فیئی او قرار داد ) از آن خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و ابن السبیل است . ( این حکم برای آنستکه ) این بازگشته ( فیئی ) دست بدست در میان ثروتمندان نگردد آنچه پیامبر برای شما آورد بگیریید و آنچه نهی کرد از آن پرهیز کنید از خداوند پروا بگیریید - چه مؤاخذه خداوند سخت است . "

اصل فیئی تأیید قسمتی از انفال است . در بطن این اصل ، يك اصل دیگری از شریعت اقتصادی نهفته است که باید به آن توجه کرد - و آن عبارت : " کى لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم " می باشد .

۱- رجوع کنید به : اسلام و مالکیت - علامه سید محمود طالقانی انتشار

یعنی : نباید ثروتهای عمومی در میان توانگران دست بدست و محصور گردد . این عبارت قرآنی یکی از اصول شریعت اقتصاد اسلامی را در نفی انحصارات سرمایه داری و تمرکز منابع ثروت و تولید و توزیع را در دست گروهی اقلیت انحصار طلب بیان می کند . و خط مشی عمومی اقتصاد جامعه را نیز منعکس میسازد مسئله تنها به نفسی وانکار محدود نمی شود بلکه بمرحله جنگ و جهاد و رسالت برای نابودی آن می یابد . کلام قرآن در برابر طبقه اشراف و سرمایه دار که عموماً همزاد و همراه با فساد و عیاشی هستند بسیار قاطع و کوبنده است . جای آشتی وجود ندارد .

این اصل عدم تمرکز ثروت های جامعه در دست اقلیت سرمایه دار ، باضافه اصول دیگری نظیر سد ذرائع و مصالح مرسله - که بعداً بدانها اشاره خواهد شد ، برای ایجاد تعادل اقتصادی و استقرار عدالت اجتماعی بزرگترین قدرت را به جامعه و والی اسلام می دهد . این اصل منبع و مقدمه بسیاری از مقررات فقهی در باب اقتصاد می باشد .

#### ۴ - مسئله اراضی

در بحث انفال - فیثی و سایر موارد از ثروتهای عمومی دیدیم که من حیث المجموع کلیه اراضی ، از آباد و غیر آباد ، از طریق اراضی مفتوح عفوہ - یا فیثی یا انفال جزو ثروتهای عمومی جامعه محسوب می شوند .

مسئله دهقانان یکی از حاد ترین و قدیمی ترین مشکل جوامع بشری است . در حال حاضر سرنوشت سه چهارم کشورهای جهان بطور مستقیم یا غیر مستقیم با سرنوشت دهقانان زمین وابسته است . در بسیاری از این کشورها - دهقانان ستون اصلی میزهای ضد استعماری و یا انقلابی را تشکیل می دهند . پیروزی بسیاری از مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی با جهت گیری جنبش دوباره دهقانان رابطه دارد .

در کشورهای با اصطلاح در حال رشد ، هیچ تحول بنیادی صورت نخواهد گرفت جز آنکه مسئله زمین و دهقانان در سایه اتخاذ یک سیاست اقتصادی واقع بینانه ای بطور عادلانه حل شود .

لذا واضح است که یک مکتب جهانی ، با وسعت دید اسلام نمیتواند درباره چنین مسئله اساسی نظر ندهد - بلکه این مسئله بخش بزرگی از شریعت اقتصادی و فقه سنتی را تشکیل می دهد . جهت گیری اسلام در این مسئله آن چنان است که در آغاز و شروع جنبش انقلابی

اسلام - دهقانان و بردگان - صفوف اصلی مجاهدین را تشکیل میدادند یکی از علل پیشرفت برق آسای جنبش اسلامی و شکست ارتش های بزرگی نظیر ارتش ایران همین جهت گیری اسلام درباره زمین و دهقانان بوده است .

شاید بهمین علت بوده است که در جنگ میان مسلمانان و ارتش ایران ، سربازان ایرانی که عموماً دهقان و دهقانزاده بوده اند حاضر به جنگ نمی شدند و افسران حکومت یزدگرد مجبور می شدند که برای جلوگیری از فرار آنها ، آنها را با زنجیر بهم به بندند - بهمین علت این جنگ ها به نام جنگهای سلاسل ( جمع سلسله ) معروف شده است .

در اسپانیا - طارق بن زیاد پس از جیل الطارق که بنام او معروف شده است گذشت ، و با ارتش دشمن روبرو شد - و در همه جا با سرعت پیشرفت . با توجه به اینکه سربازان دشمن عموماً و اکثراً دهقانان بودند طارق دستور داد اعلام کنند که اگر دهقانان به ارتش اسلام تسلیم شوند خواه اسلام بیاورند یا نیاورند - در صورت پیروزی اسلام ، بآنها اجازه داده می شود که با اراضی خود برگردند و بکار خود ادامه دهند .

یکی از مهمترین عوامل جنگ شیعه با زمامداران خود سر ، تجاوزات آنان بحقوق ملت و زیر پا گذاشتن مقررات اسلامی درباره اراضی و دهقانان بوده است . قیام علیه عثمان و قتل خلیفه ، انعکاس سیاست ضد اسلامی عثمانی درباره اراضی و واگذاری آنان به اشراف بوده است . توطئه علیه حکومت امام علی ؟ نیز از جانب کسانی بود که امام علی ؟ در نهج البلاغه بکرات به تجاوزات آنان اشاره می کند و در حکومت خود به وضع نامشروع آنان خاتمه داد .

در بحث انفال - فیئی و سایر موارد از ثروتهای عمومی دیدیم که تقریباً کلیه اراضی سرزمین های اسلام از آباد و غیر آباد بشکل اراضی مفتوح عنوه - فیئی یا انفال - جزو ثروتهای عمومی محسوب می شوند و بنحوی از انحاء تحت کنترل یا نظارت یا مالکیت "والی اسلام" که تبلور اراده عمومی است قرار دارند .

در اسلام اراضی در مرحله اول به دو گروه اساسی تقسیم میشوند و حکم هر کدام با دیگری تفاوت دارد .

دسته اول : اراضی موات یا غیر آباد ( بایر )

دسته دوم : اراضی آباد یا دائر

اول اراضی موات - منظور از این اراضی آنهایی هستند که در آنها هیچ گونه تصرف حیاتی صورت نگرفته است در این اراضی هیچ گونه تصرفات مالکانه از خرید و فروش و نقل و انتقال جائز نیست . ( ۱ ) تنها حقی که وجود دارد آزادی "حق احياء" این اراضی است .

- مواتان الارض لله و لرسوله ثم هی لکم ایها المسلمون - رسول خدا ( ص ) ( ۲ ) اراضی موات به خدا و برسول او و سپس تعلق بشما دارد ای مسلمانها !  
اما نحوه بهره برداری :

- من احياء ارضا ميته فهی له - رسول خدا

هرکس زمین مرده ای را آباد کند پس آن زمین از آن اوست .

- مواتان الارض لله و لرسوله فمن احيى منها شيئاً فهو له - رسول خدا

اراضی مرده به خدا و رسول او تعلق دارند - پس هرکس آنچه را که از این

اراضی آباد کند باو تعلق دارد .

- فان الارض لله و لمن عمرها .

زمین از آن خدا و از آن کسی است که آبادش ساخته است . حسین بن علی ؟

بنابراین مسئله اراضی غیر آباد - یا موات عبارت از این است که این اراضی

بهر صورت که باشند و در هر کجا - متعلق به خدا و جانشین خدا ( جامعه )

است . با افراد جامعه اجازه داده شده است که با آباد و احياء کردن این اراضی

از آنها بهره برداری کنند . و بهره یا حاصل مال کسی است که روی این اراضی

کار کرده است .

اجازه تملیک یا حق احياء - یک نوع مالکیت ها مشروط و محدود است .

بعبارت دیگر حق تملك احياء کننده فقط احياء است . و فقط در حد احياء

و مادام احياء است . یعنی در صورتی که آباد کننده زمین بعد از مدتی

آنها را ساخت و رفت این حق از او سلب می گردد و هر شخص دیگری است

بآبادانی آن زمین دست بزند ، این حق باو تعلق می گیرد . این حق شامل

" هر " آباد کننده ای - صرف نظر از مذهب اش می گردد .

- هر قومی که ( حتی یهود و نصارا ) اندازه ای از زمین را آباد سازند یا

منشأ عمل گردانند ( یا در آن عمل نمایند ) بآن احقند و آن زمین از آنها

---

۱- مالکیت در اسلام - علامه سید محمود طالقانی - شرکت انتشار

۲- برای اطلاع بیشتر به الاصلاخ الزراعی فی الاسلام صادق مهدی

الحسینی مؤسسه الصادق کربلا رجوع کنید .



می باشد . امام صادق ؟ .

بنابراین مالکیت اعیان کنبه - مالکیت ثابت و مطلق نیست . اگر از صورت آبادی بیرون رفت از مالکیت شخص خارج می شود .

مکانیسم اعیان - اما اینکه اعیان و آبادانی با چه عملیاتی

ثابت می شود ، یک بحث فقهی است و تابع زمان و مکان . فقه سنتی در این باره تحجیر را مأخذ قرار داده است . که آن عبارت از آن است که کسی

اطراف زمینی را سنگ چین نماید یا دیوار بکشد . این تحجیر - شروع حق اعیان - و موجب حق اولویت میگردد . ولی منشاء مالکیت را فقه سنتی برجیدن

سنگها - برگرداندن زمین و تسطیح و ایجاد نهر و ریشه کنی و خشک کردن غلفهای زائد و هزره و جاری ساختن آب را جزو تحجیر میسند .

البته این " تعریف " یا تعیین چگونگی اعیان در شرایط حاضر در کشورهای مختلف با هم فرق می کند و این وظیفه اقتصادی است که آنرا مشخص سازد .

مالیات یا خراج زمین - چون گفته شد که این اراضی مال جامعه

است هر کس که این اراضی را آباد کند و از آنها بهره برداری نماید - باید مالیات یا خراجی را که دولت اسلامی تعیین می نماید به پردازد . در بحث سایر

اراضی در باره خراج صحبت خواهیم کرد .

دوم - اراضی آباد یا زیرکشت

در بحث ثروتهای عمومی انفال

و فیئ . به سه نوع اراضی اشاره شد .

۱- آنهایی که بدون صلح بدست مسلمانها افتاده است ( اراضی مفتوح عنوه )

این اراضی - آباد یا غیر آباد - قابل خرید و فروش نیست . اداره و نظارت بر آنها برعهده امام یا والی اسلام می باشد .

۲- اراضی که با صلح بدست مسلمانها افتاده است . این اراضی بعنوان

" ولایت " در دست " والی اسلام " است که می تواند در آنها تصرف کند . ( ۱ )

۳- املاک فیئ - این گونه اراضی نیز - بصورتی از گردونه مالکیت های

خصوصی خارج شده و به اموال عمومی برگشته است . در حالیکه اراضی نوع اول و دوم شامل اراضی آباد و غیر آباد هر دو میباشد . اراضی فیئ

بیشتر شامل اراضی آباد بوده است .

در اینجا باید توجه داشت که جنبش انقلابی اسلام در رهگذر توسعه و

۱- اسلام و مالکیت - علامه سید محمود طالقانی - شرکت انتشار .

تکامل رسالت رهائی بخش خود ، هر کجا که سرزمین ها را از " جور حکام و سلاطین " آزاد می ساخت ، اولین مسئله در برابر او مسئله توده مردم بخصوص دهقانان بوده است . شك نیست که دهقانان روی اراضی آباد کار میکرده اند - این اراضی قبل از ساختن - یا در اختیار سلاطین و شاهان و قیصرها و یا کارگزاران و نمایندگان و اعضاء خانواده و یا ملاکین بزرگ بوده است . اسلام صرفنظر از آنکه وجود سلطان و شاه و قیصر و یا ملاکین بزرگ و اشراف را همراه با نظام اقتصادی حاکم قبول نداشته است بلکه اصولا مالکیت آنان را بر این اراضی نمی پذیرفته است . لذا جنبش انقلابی پس از رها ساختن اراضی مستقیما با دهقانان - شایسته ترین عناصر - ندی حق روبرو می شده است . در صورتیکه دهقانان نظام اجتماعی اسلام را قبول میکردند ، همه بطور یکسان و مساوی - بدون تبعیض نژادی یا مذهبی با آنها رفتار می شده است .

در تقسیم بندی سه گانه اراضی بصورت بالا - اراضی نوع اول ( مفتوح عنوه ) و اراضی نوع سوم ( فیعی ) چون بطور کلی متعلق به کلیه اتباع جامعه اسلامی است و از گردونه مالکیت های خصوصی خارج شده است لذا " والی اسلام " حق نداشته است آنها را میان دهقانان تقسیم و یا بصورتی به " افراد " برگزار نماید لذا پس از رهائی این اراضی آنها را به دهقانان " اجاره " میدادند . و این سیستم اجاره بندی اراضی کشاورزی موجب تدوین باب خراجیه در اقتصاد اسلامی شده است . در صورتیکه در نوع دوم اراضی ، که با صلح بدست مسلمانها افتاده است " والی اسلام " می توانسته است آنها را - با حفظ منافع جامعه - به خود دهقانانی که در این اراضی بکار زراعت مشغول بوده اند یا هر کس دیگری برگزار نماید . یا آنکه آنها را بآنها اجاره دهد . برحسب آنکه منافع خلق اسلام چگونه ایجاب نماید .

\* \* \*

تذکر : متأسفانه بعلمت کثرت حجم قسمت سوم مقاله اقتصاد اسلامی مجبور شدیم بقیه آنرا در شماره آینده درج نمائیم .

## خلاصه ای از وضع مسلمانان در التیره

خواننده گرامی مقاله زیر متن اعلامیه ایست که از طرف جبهه آزاد ییخیش التیره منتشر شده و ما آنرا برای اطلاع شما ترجمه نموده ایم.



عکس مقابل دو نفر از  
آزاد یخواهان التیره  
را که بشاخه درخت  
آویخته شده اند  
نشان میدهد.

التیره کشوری است قدیمی که یونانیان قدیم آنرا بنام ( سینوس آرتریوس )  
می نامیدند که نام التیره از آن مشتق شده است . مساحت التیره ۱۲۰۰۰۰  
کیلومتر مربع و جمعیت آن در حدود سه میلیون نفر است . پایتخت آن شهر اسمر

که در دوران اسلامی بنام ( طراز اسلامی ) یا ( بلاد زلیع ) معروف بود .  
و از زمان حکومت اموی جزئی از کشورهای امپراطوری اسلامی شناخته میشد .  
در سال ۱۵۵۷ دولت عثمانی آنجا را تسخیر نموده ضمیمه ولایت مشیر مکه مکرمه  
قرار داد . در سال ۱۸۶۶ حکومت عثمانی آنرا از دست داد و تحت حکومت -  
خدیویه مصر درآمد و بسال ۱۸۸۵ دولت ایتالیا آنرا اشغال کرد و سپس در  
سال ۱۹۴۱ پس از شکست ایتالیا در جنگ جهانی دوم بتصرف دولت انگلیس  
درآمد . در سال ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد منشوری صادر نمود که طبق آن  
التیره با دولت حبشه بصورت دولت فدرالی مستقلی شناخته شد . در تاریخ  
۱۵ ژانویه ۱۹۵۲ این قرارداد تنفیذ شد و التیره تحت اشغال دولت حبشه  
درآمد .

قرارداد مذکور که در سازمان ملل متحد با پشتیبانی و اعمال نفوذ عده‌ای  
از دولتهای استعمارگر مسیحی بمنظور تضمین منافع استراتژیکی و اقتصادی  
آنها در دریای سرخ ( که هزار کیلومتر از سواحل آن ملك التیره شناخته میشود )  
و بمنظور ملحق ساختن التیره به حکومت حبشه که حوزه نفوذ آنها بود با اجبار  
صورت گرفت لذا ملت مسلمان التیره مجبور بقیام و جهاد ضد امپریالیستی خود شد  
و در این راه قربانیان فراوانی داد .  
از طرف دیگر حکومت فدرال اتیوپی ( حبشه ) سیاست تجاوزکارانه و تخریبی خود  
را علیه ملت مسلمان التیره و تمدن اسلامی و ضد امپریالیستی آن دنبال نموده  
و در نتیجه مؤسسات اسلامی و مدارس عربی را تعطیل نمود و بکاربردن  
زبان عربی را که بموجب ماده ۳۸ قانون اساسی التیره زبان رسمی التیره  
شناخته میشد ممنوع نمود ، احزاب سیاسی را منحل کرد و در تاریخ ۱۴/۱۱/۶۲  
ارتش حبشه التیره را رسماً اشغال نموده و هرگونه مقاومتی را منکوب نمود . در  
همین زمان نمایندگی و پایگاه امپریالیستی غربی " دولت اسرائیل " از  
طرف حبشه به رسمیت شناخته شد و بدنبال آن دروازه‌های التیره بروی  
غارتگران اسرائیلی باز شده و این سرزمین میدان تجسّسات اقتصادی  
و تجاری اسرائیل قرار گرفت و در نتیجه آباد ترین اراضی التیره بشرکت  
الکودی اسرائیلی واگذار شد ( ۱ ) . و در جنگ اخیر پس از شکست اعراب  
نماینده دولت حبشه در سازمان ملل متحد از دولت اسرائیل طرفداری

---

۱- شرکت الکودی اکنون روزانه بیش از چهارصد رأس گاو از التیره خارج می‌کند .

نمود و دولت حبشه ۱۵۰۰۰ رأس گاو برای اسرائیل بعنوان اعانه فرستاد و این خود بهترین نمودار دست‌نشاندهی دولت حبشه و نفوذ صیهونیستها در آنجا می‌باشد .

ملت مسلمان التیره با الهام از دستورات آسمانی قرآن تاکنون تسلیم نشده و بیش از شش سال است با عملیات پارتیزانی با دولت حبشه در حال جنگ بوده و شعارش " الفوز بالنصر او الاستشهاد " ( یا مرگ یا پیروزی ) می باشد .

در خلال سال جاری ارتش تجاوزکار صلیبی که کار را بر خود مشکل دید دستبکار آتشزندان دهها دهکده التیره شد که در نتیجه بیش از دو هزار نفر پیر و جوان و زن و کودک قربانی شدند و مزارعشان از بین رفت و گاو و گوسفندان آنها بغارت برده شد و از همه شنیعتر و فجیعتر به شرف و عفت دختران و زنان مسلمان در برابر چشم اقوامشان دست درازی کرده و عده ای از دختران قریه ( عد ابراهیم ) را باسارت بردند . در دهکده ( مقرایب ) لشکریان حبشی مسیحی ۳۰ نفر مسلمان را



اثر شکنجه های  
وحشیانه عمال  
امپریالیسم صلیبی  
بر شانه یکی از فراریان  
التیره .

در مسجد گشتند و در زندان ( تسنی ) ۲۹ نفر را سر بریدند و عده زیادی از پیرمردان و زنان و کودکان آواره شده بسمت شرقی سودان فراری شده اند .

مجله واشنگتن پست در تاریخ ۳۰/۴/۶۷ ایت جنک نابود کننده را بدین شرح مینویسد :

پس از کشته شدن فرمانده گروهان حبشی که به ایتوبی حمله کرده بود ، هواپیماهای حبشی بر دهکده های التیره حمله کرده و آنها را بمباران کردند و لشکر هشتم حبشه به عملیات جمع آوری سکنه دهات مذکور پرداخت . . . پلیس های ایتوبی دستکار تصفیه مستمر گردیده و اعضاء جبهه آزاد بیخس التیره و هواخواهان آنها را قتل عام نمودند .  
برادران مسلمان :

ما بنام برادری اسلامی که خدای بزرگ اجتماعمان را بدان نیرو بخشید دست استمداد مادی و معنوی بسوی شما دراز میکنیم و از شما میخواهیم صدای برادران خود را که در برابر استعمار و امپریالیسم صلیب قیام نموده اند بگوش جهانیان برسانید .  
امروز مجاهدان التیره و هزاران نفر پناهندگان به سودان احتیاج شدید به کمک برادرانه شما دارند ، تأیید شما برای ما نمایشگر روح برادری اسلامی است که خدای متعال ما را بدان کرامت بخشید .  
آنجا که فرمود " انما المؤمنون اخوة " و فرمایش رسول اکرم که فرمود " من أعان مجاهدا فقد جاهد " یعنی هر کس به مجاهدی کمک کند چو آنست که خود جهاد کرده باشد .

جبهه آزاد بیخس التیره

تمشیت امور توده از نماز و روزه در پیشگاه

خداوند عزیزتر است !

رسول اکرم (ص)

بدون تفسیر :

- مشخص ترین قیافه زندگی ایران امروز سرعت توسعه غربیگری است .
- چراغهای پر زرق و برق تبلیغات کوکاکولا و کانادا رای همه جا دیده میشود .
- بزرگترین ترقیات در وضع زنان دیده میشود .
- اکثر زنان شهری در ایران از زنان پاریس متجدد تر و زرنگتر هستند .
- این تغییرات ... باین حقیقت واضح منجر میگردد که در کنار توسعه مظاهر تمدن غربی در ایران امروز کلیساهای مسیحی با بزرگترین فرصت های مناسب برای رشد و تبلیغات مسیحی روبرو هستند . . . . ."

از : The British weekly and Chrstian World  
Edinburgh , June 30, 1966

\* \* \*

" اروپا در حال حاضر خدایش را پشت سر انداخته و بخدای جدیدی که عبادت از علم است ایمان آورده است - لیکن باید دانست که علم موجودی است متغلب باین معنی که دچار دگرگونی میشود و آنچه را دیروز ثابت کرده است امروز نفی میکنند و آنچه را امروز منفی میانگارد فردا اثبات میکند . . . بدینجهت ملاحظه میکنید که پرستندگان علم همیشه در قلق و اضطرابند و هیچگاه سکون و آرامشی ندارند ."

" سومرست موآم "

**ملت نامبارز ، تکرو ، گجرو یا مقلد**

متأسفانه ملت ما ، چه مؤمن و چه غیر مؤمن آن ، یا اهل مبارزه نیستند و نمیخواهند خود را برزهمت و خطر بیندازند و یا اگر مبارزه میکنند مثل اینکه الفبای آنرا بلد نیستند .

غالب مبارزه های ما بخودمان برمیگردد ، باخودمان در میافتیم ، دوستیها و صمیمیت ها را تبدیل به کدورت و سوء ظن و گاهی عداوت میکنیم و بالاخره جمعمان را کوچکتر و ضعیفتر یا مبدل به تفرقه و انشعاب مینمائیم !

" بازرگان "

## زنده بودن و زندگی کردن

" میان زنده بودن و زندگی کردن تفاوت بسیار است،

شما زنده هستید یا زندگی می‌کنید؟ "

آیا میدانید که در زندگی چه میخواهید و دنبال چه هستید؟ اگر گفته جامعه شناسان را قبول کنیم، احتمال می‌رود که شما یکی از آن پنج نفری باشید که در هزار نفر میدانند چه میخواهند و دنبال چه هستند. این عده قلیل چه آنها که در جهت مثبت و چه آنها که در جهت منفی فکر میکنند هر دو بمقصد خودشان رسیده‌اند. و باقی مردم میکوشند دنبال دسته اول یا دسته دوم راه بیفتند و خودشان نمیدانند در زندگی چه میخواهند و دنبال چه هستند. بعبارت دیگر اکثریت مردم برای زندگی خود هدف و مقصد معینی ندارند و البته در اینجا باید در نظر داشت که خوردن و خوابیدن و بقول شیخ اجل سعدی "نفسی آسوده برآوردن هدف زندگی حساب نمیشود". دکتر "کرانین" عقیده دارد که ۹۰ درصد از مردم فقط میخواهند زنده بمانند و ده درصد میخواهند زندگی کنند. فرق بین زنده ماندن و زندگی کردن بسیار زیاد است. درخت و میکرب و حیوان جنگلی هم زنده است و برای آنکه زنده بماند در تنازع بقا، بقدر همت خود و بقدر قدرت خود میکوشد از محیط اطراف و از همجنسان خود تغذیه میکند و پس از دوره کوتاه یا طولانی از بین می‌رود. البته بشر هم دارای همین خواص حیوانی هست و از نظر مادی وجود ما با حیوانات پستاندار چندان تفاوتی ندارد و حتی اگر دامنه فکر را وسیعتر بگیریم، از نظر مادی صرف بشر موجودی ناقص است. چون برخلاف اکثر حیوانات و نباتات که برای حیوانات و نباتات دیگر غذا میشوند، بشر نمیتواند مثلا مثل گاو و کوسفند از شیر و گوشت خود یا مثل زنبور عسل از عسل خود یا مثل درخت سیب از میوه خود بدیگر - ان فایده ای برساند. ولی فرق بشر با حیوانات و نباتات این است که بشر زندگی می‌کند در حالی که موجودات دیگر فقط زنده هستند. بشر از نظر مادی نظیر موجودات



و شاید ناقص‌تر از بعضی از آنهاست، ولی تفاوت در نهاد ماست، در فکر و روح ماست در میل ما بزندگی کردن است نه فقط زنده ماندن. فرق بشر با همه موجودات دیگر در همین نکته است که بشر، بشر کامل و ارزنده هدف و مقصود و منظوری در زندگی دارد. بقول دکتر "کرانین" بشر برای ساختن و برای بوجود آوردن و برای انجام مأموریت بزرگی باین جهان آمده است. آنچه بر روی زمین بجا میماند فعالیت یک‌سئه نباتات یا حیوانات معلوم یا مجهول نیست، بلکه تا این تاریخ هر چه هست اثر دست انسان است. این بشر است که در نمو نباتات و زندگی حیوانات حکومت کرده و سرنوشت آنها را معین میکند. در آغاز قرن شانزدهم میلادی بموجب آماری که مهاجرین آمریکا منتشر ساختند بیش از بیست میلیون گاو وحشی در جلگه های سرسبز آمریکا زندگی میکردند، ولی بشر بر آنها مسلط شد و امروزه فقط تعداد انگشت شماری از این حیوانات بجا مانده است. اسرار طبیعت یکی بعد از دیگری بر بشر کشف میشود. ممکن است بگوئید اینها جزو لوازم و ضروریات همان زندگی مادی است. ولی آیا خودتان هم باین حرف ایمان دارید و آیا مقصود دیگری در کار نیست؟ اگر ما هم یقین میکردیم مثل موربانه یا زنبور عسل فقط برای آن باین دنیا آمده بودیم که لانه مرتب و منظمی بسازیم، کار مفید و سودمندی بکنیم و پس از آنکه دوره عمرمان طی شد بکلی نابود شویم، هرگز هیچکدام بساختن اینهمه شهرها، بنوشتن اینهمه کتاب، به کشف اینهمه اسرار طبیعت و ایجاد اینهمه هنر و صنعت دست نمی‌زدیم.

بشر بدون شك هدفی غیر از خوردن و نمو و تولید مثل دارد. بشر مصمم است در روی این کره خاکی بماند و همه موجودات دیگر را زیر تسلط خود درآورد و شاید قدم بکرات دیگر بگذارد و برای تأمین این هدف کافی نیست که فقط یک نفر در هر هزار نفر بشر مقصد و منظور و هدف معلوم و مثبت و معینی داشته باشند. وقتی نژاد بشر هدف داشت یعنی هر کس و یا لافل اکثریت افراد بشر برای زندگی خودشان معنا و مفهومی و مأموریت بزرگی قائل باشد، این توازن ناراحت کننده را که آمارگران مدعی آن هستند و شاید هم راست بگویند و بموجب آن فقط ۵ در هزار از افراد بشر دنبال مقصود خودشان میروند، بکلی بهم میزند و آنوقت است که ما میتوانیم اسم خود را بشر بگذاریم. آنوقت است که هدف ما فقط خور و خواب و خشم و شهوت نیست و برای تأمین این غرائز و هوسهای مقدماتی و ابتدائی خود دست بهر عملی نمی‌زنیم.

## کوششهای اسلامی نسل جوان

گزارش کوتاهی از چهارمین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان

### در اروپا "گروه فارسی زبان"

چهارمین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا "گروه فارسی زبان" بنا بدعوت قبلی روزهای ۱، ۲، ۳ ماه مه ۶۸ در یکی از شهرهای کنار رودخانه موزل "آلمان غربی" برگزار گردید.

در این نشست نمایندگان انجمنهای اسلامی شهرهای هانور، تریر، کیسل، اشتوتگارت، ورتسبورگ، کلاوستال، آخن، زاربروگن و هامبورگ از آلمان و شهرهای وین و اینسبروک از اطریش شرکت داشتند. نمایندگان سایر شهرها بعلت نامناسب بودن موقعیت های محلی نتوانستند شرکت نمایند.

در برخورد روز نخست - پس از خیر مقدم از طرف هیأت تدارکات، هیأت مدیره اتحادیه گزارش فعالیتهای خود را در سه قسمت مشروحاً تقدیم جمع نمود. ۱- امور ارتباطی و کارهای انجام شده - تماس با مراکز اسلامی

۲- بخش مالی ۳- امور انتشارات

از طرف نمایندگان، گزارش هیأت مدیره مورد بحث و تأیید و انتقاد قرار گرفت و پیشنهادات تازه ای داده شد.

پس از گزارش، نشست جهت رسیدگی به پیشنهادات وارده و بررسی امکانات تازه و تهیه برنامه مناسبی بخاطر بهبودی نهوه فعالیتهای اتحادیه شوری های مختلفی در قسمتهای اساسنامه، انتشارات، قطعنامه مالی و خط مشی از بین خود هیأت های انتخاب نمودند.

روز دوم - آقای دکتر بهشتی سخنرانی همراه با پیشنهاد های مفید و مشروحی در باره خط مشی و نوع فعالیتهای اتحادیه ایراد فرمودند. (توصیه های ایشان از طرف هیأت تحریریه و انتشارات اتحادیه تکثیر و در دست رس واحد ها قرار خواهد گرفت)

در آخرین روز نشست - تصویبات و تصمیم های شوری ها مورد بررسی قرار گرفت و از طریق بحث و انتقاد و بحکم رأی رد یا تصویب شد.

گزارش مفصل چهارمین نشست تکثیر و برای مراکز اسلامی و واحد های اتحادیه ارسال

میگردد.

## ترکیه :

پاپ در سفر گذشته خود به استانبول بمنظور برگزاری مراسم دعای کاتولیکی به مسجد ایاز صوفیه که از زمان آتا تورک بصورت موزه ای در آمده رفت - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه استانبول پس از اطلاع از جریان با تعداد زیادی از دانشجویان مسلمان بطور آرامی از دانشگاه بطرف مسجد براه افتاده و مردم را دعوت بانامه نماز جماعت در مسجد ایاز صوفیه نمود پس از چند دقیقه چندین هزار نفر در این نماز دستجمعی شرکت جستند بطوریکه قسمتی از خیابانهای اطراف مسجد توسط نمازگزاران سدود گشت . این ظهور اجتماعی بهترین نمایشگر جبهه گیری ما در مقابل کسانی میباشد که هنوز آرزوی تجدید خاطرات جنگهای صلیبی را در سردارند !

" از يك روزنامه ترکی "

\* \* \*

چندی پیش انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه استانبول با تظاهراتی که در مقابل کنسولگری آمریکا ترتیب داده بودند اعتراضات و تنفرات خود را نسبت به تبعیضات نژادی و ظلمی که نسبت به سیاهپوستان در آمریکا روا داشته میشود ابراز داشته و همچنین جنگ غیر انسانی و نفرت بار ویتنام را محکوم نموده و خاتمه این تجاوزات را خواستار شدند .

" از خبرگزاری ORF "

\* \* \*

## آمریکا :

محمد علی کلی بدعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیکاگو در یکی از جشنهای مذهبی که توسط آن انجمن ترتیب داده شده بود سخنرانی جالبی خطاب بکلیه دانشجویان آمریکا ایراد نمود و پس از تشریح ضد انسانی بودن جنگ ویتنام از نظر اسلام کلیه جوانان بخصوص دانشجویان آمریکا را دعوت به ترمذ از خدمت سربازی در ارتش ضد بشری آمریکا نموده و سیاست تجاوزکارانه آمریکا را در ویتنام محکوم نمود .

" از خبرگزاری ORF "

## آمریکا :

محمد علی گلی پسر از آنکه بجرم سر باز زدن از خدمت ضد انسانی ارتش در ویتنام بر حسب تکلیف اسلامی خود در ادگاه بیعدالت آمریکا به پنج سال زندان و مبالغی جریمه نقدی محکوم شد از رفتن بزندان سرباز زده و گفت هرگاه جانسون توانست پشت گوش خود را ببیند مرانیز در زندان خواهید دید .

و چندی قبل در کنگره سالانه مسلمانان سیاه آمریکا طی یک سخنرانی از کلیه جوانان سیاه خواست که از خدمت سربازی در ارتش امپریالیستی آمریکا سرباز زده و به هیچوجه حاضر نشوند که در جنگ ضد بشری ویتنام سهیم جنایت گردند و نیز از ورزشکاران سیاه درخواست نمود که از شرکت در مسابقات المپیک مکزیکو خودداری نمایند و بطوریکه احتمال می رود امسال سیاهان آمریکا در المپیک شرکت نخواهند داشت .

" Die Presse "

### بیداری ملتها

تنها راهی که مسلمانان را به هدف نزدیک میکند این است که رشد عقلی ملتها را بیدار کنند . چون خطرناکترین عامل استعمارگران و ستم-پیشکان عدم رشد اجتماعی و منطق صبر و سکوت و سازش در برابر ظلم و بدعت و تحمل ننگ و عار است .

ملتی که بین دوست و دشمن و بین خائن و خادم فرق نمیگذارد و از حوادث روزگار عبرت نمیگیرد و خیانتکاران زمام امورش را در دست گرفته و بدبختیهای راکه برای وی آورده فراموش میکند و اموال و اعراض خود را بضمیمه کلید مملکت خویش بدست اوس برده و آنچه جنایت مرتکب میشوند فراموش کرده و بجنایتکاران جرئت بیشتری میدهند .

از کتاب " با ضعف مسلمین دنیا در خطر سقوط " ابوالحسن الندوی

ترجمه : مصطفی زمانی

# استقلال فکری

گفتیم قسمت دیگری از طرحها برای مبارزه با غریبزدگی و تجدید حیات فرهنگ اسلامی تالیف و تدوین فقه اسلامی بصورت ساده و روان و کاملاً روز فهم است . مسلمانها مدعی هستند نظام حقوقی و اجتماعی اسلام بهترین نظام ها است ولی وقتی نسل امروز راهی برای اطلاع از این نظام نداشته باشد، این ادعای خالی چه اثر مثبتی خواهد داشت ؟

در دنیا اینکه وقت ، حداکثر ارزش خود را یافته برای يك دانشجوی حقوق مراجعه به ده ها کتاب فقهی تالیف چند صد سال قبل که هم از نظر تدوین و هم از نظر چاپ ؟ وضع کاملاً بفرنج و خسته کننده دارد چقدر کار مشکلی است ؟ مخصوصاً با در نظر گرفتن اینکه چون فقه اسلام در اینجا تکامل یافته است چه بسا برای بدست آوردن نظریه مشهور بین فقهاء در مسئله خاصی باید بده ها باب مختلف مراجعه نمود و این مشکل برای تمام آنهاست با فقه سروکار دارند کاملاً مشهود و محسوس است البته این وضع در بعضی از حقوق های دیگر هم موجود بوده ولی عمل بطرز تدوین و تنظیم جدیدی که امروز در حقوق مرسوم است آنها برطرف نموده است .

امروز هر دانشجویی میتواند برای اطلاع از مسئله خاصی در یکی از مکتبهای حقوقی غرب به يك کتاب ساده مراجعه کند و در يك سطح متوسط علمی وضع مسئله مورد نظر را بدست آورد . خواه ناخواه این وضع دانشجویان حقوق را از مطالعه در حقوق اسلام سرد نموده بالعکس به مطالعه انواع مکتبهای حقوق های غربی تشویق میکند ؛ این مسئله کاملاً طبیعی است که انسان تا مجبور نشود دنبال کار مشکل و پر پیچ و خم نمیرود ، مشغول کار آسانتر و ساده تر میشود ؛ روی همین اصل اطلاعات نسل جوان امروز حتی (( نسل مسلمان )) از مکتب حقوق غربی بیشتر از فقه اسلامی است و بحکم قانون (( عرضه و تقاضا )) کتابخانه ها و قرائتخانه ها و سایر مراکز عمومی هم انباشته از این کتب حقوقی غرب است اما کتب فقه اسلامی کمتر در بین آنها وجود دارد .

وضع ما چنین است ؛ ما وسائل اطلاع از اسلام را در هیچ رشته ای در دسترس نسل امروز نگذاشته ایم و اگر ملل مسلمان می بینند طبقه تحصیلکرده هر کشور به اصول

و معارف اسلامی کم اعتنا است باید علت اساسی آن را در همین جستجو کنند که (( آنها بدرستی از اسلام آگاه نیستند )) تا آنجا که ما با نسل جوان تماس داشته‌ایم آنها خیال میکنند اسلام یک مکتب فردی ارتجاعی است که به گمستن از زیباییها و نشاطهای زندگی و اتخاذ یک روش منفی در هر کار دعوت میکند. این برای جوانان عقد های است، آنها جوانند؛ غرائز و تمایلات دارند؛ نشاط زندگی دارند و میخواهند از این نشاط هرچه کاملتر استفاده کنند، در حالیکه گمان میکنند اسلام با همه اینها مخالف و دشمن است، روی عمین حساب اسلام را با ترقیات علمی و صنعتی موافق نمیدانند با اینوضع چگونه ممکن است به اسلام خوشبین و یا باور دلداده و علاقمند شوند؟!!

این وضع اسفناک معلول غفلت های خود مسلمانها در گذشته است و روی عمین حساب ما از آنها بی نیستیم که همه تقصیرها و عقب ماندگیها راتنها و تنها بگردن استعمار میاندازند و حاضر نیستند بغفلت ها و قصورهای خود نیز در گذشته توجهی کنند و درصد جبران آن برآیند. برای جبران این غفلت و قصورها در قسمتی از جهان اسلام (چند کشور عربی) جمعی از دانشمندان شیعه و سنی طرحهایی ریخته اند که ضمن گزارش اجمالی آنها در مقاله گذشته به مسئله تالیف و تدوین فقه اسلامی بصورت روز فهم اشاره شد.

این کتابها در عین علمی بودن به سبک جدید تدوین شده و مسائل مختلف فقهی را که در سراسر فقه پراکنده است ولی در حقوق امروز تحت یک عنوان جامع و خاص از آن بحث میشود، تحت عنوان مخصوصی در آن جمع آوری شده، بطوریکه مراجعه کننده را از تتبع پر مشقت که فقط در خور استعداد و توانایی دانشمندان فقه است بی نیاز میکند، البته اینکار برای اطلاعات بدوی دانشجویان است و مهم عمینست که دانشجویان اولین مرحله مطالعه با دشواری روبرو نشود وگرنه راه تتبع بیشتر و عمیق تر همیشه باز است. (۱)

- ۱- قسمتی از این کتابها برای نمونه بدین ترتیب است:
- التشريع الجنائي الاسلامي مقارنا بالقانون الوضعي ۲ جلد تأليف (عبد القادر عوده)  
التعزير في الشريعة الاسلامية تأليف (دكتور عبد العزيز عامر)  
المسئولية الجنائية في الفقه الاسلامي ( احمد فتحى بهنسى )  
العقوبة في الفقه الاسلامي ( " " " )  
( بقيه ياورقى در صفحه ۲۹ )

خوشبختانه این نهضت منحصر به کتب فقهی نبوده شامل تمام فرهنگ اسلامی بمعنی کامل است یعنی در کشورهای مذکور تمام کتابهاییکه در طول تاریخ چهارده قرنیه اسلام در رشته های مختلف علوم بوسیله دانشمندان متعدد برشته تحریر در آمده امروز با بهترین اسلوب چاپی و توضیحات رسا چاپ و در اختیار عموم گذارده میشود؛ پیدا است که نتیجه اینکار تجدید حیات فرهنگ اسلامی خواهد بود، افکار و عقاید و آداب، رسوم، سنن، قوانین و بالاخره کلیه آنچه تشکیل فرهنگ ملتی را میدهد در مورد مسلمانها از همین کتابها ریشه گرفته و مسلمانها برای احیاء شخصیت اسلامی راهی جز اینکه این منابع را دوباره زنده نکنند ندارند. نظام های خاص عقیده ای و حقوقی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی اسلام در این کتابها متمرکز و مکنون است و برای اشاعه و تقویت آنها هم باید همین کتابها را وارد زندگی ساخت.

ما وقتی بعظمت و تأثیر فوق العاده این نهضت مطبوعاتی اسلامی توجه پیدا میکنیم که تأثیر درک تاریخ گذشته هر ملتی را در آن ملت بخوبی دریافته باشیم، یک دانشمند اجتماعی بزرگ میگوید: "تاریخ برای اقوام مثل حافظه برای فرد شرط لازم شخصیت است" (۱) یعنی همانطور که شخصیت روانی هر فردی قائم بحافظه است شخصیت اجتماعی و ملی یا دینی هر جمعیت و ملتی هم قائم به تاریخ گذشته آنهاست اگر ملتی افکار و عقائد و آداب و سنن و قوانین و اخلاق گذشته را فراموش نموده با آن قطع ارتباط کند، این ملت دیگر شخصیت ندارد و در برابر بیگانگان و فرهنگ آنها بدون تردید دچار خود باختگی و تبعیت بلافاید و شرط و در نتیجه فنا خواهد شد.

\* \* \*

موضوع جالب توجه دیگر تشکیل سمینارهایی برای تحقیق در مسائل نوظهور حقوق غربی و بررسی وضع آنها از نظر فقه اسلامی است میدانیم با تکامل تمدن در دو قرن اخیر در عالم حقوق مسائل و موضوعات جدیدی مورد بحث واقع شده مانند انواع بیمهها، انواع شرکت های سهامی، قوانین بازرگانی و تجارتی جدید، پاره ای مسائل خاص بین المللی و دهها موضوع دیگر که در فقه اسلام سابقه نداشته و اینک که احتیاجات جوامع بشری ضرورت بحث از آنها را ایجاب نموده باید نظر و روش فقه جامع الاطرای اسلامی درباره آنها روشن شود و کیفیت رسائی حقوق اسلامی به این احتیاجات روز عمیقاً مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

\* \* \*

خوشبختانه این نهضت منحصر به کتب فقهی نبوده شامل تمام فرهنگ اسلامی بمعنی کامل است یعنی در کشورهای مذکور تمام کتابهاییکه در طول تاریخ چهارده قرنی اسلام در رشته های مختلف علوم بوسیله دانشمندان متعدد برشته تحریر در آمده امروز با بهترین اسلوب چاپی و توضیحات رسا چاپ و در اختیار عموم گذارده میشود؛ پیدا است که نتیجه اینکار تجدید حیات فرهنگ اسلامی خواهد بود، افکار و عقاید و آداب، رسوم، سنن، قوانین و بالاخره کلیه آنچه تشکیل فرهنگ ملتی را میدهد در مورد مسلمانها از همین کتابها ریشه گرفته و مسلمانها برای احیاء شخصیت اسلامی راهی جز اینکه این منابع را دوباره زنده کنند ندارند. نظام های خاص عقیده ای و حقوقی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی اسلام در این کتابها متمرکز و مکنون است و برای اشاعه و تقویت آنها هم باید همین کتابها را وارد زندگی ساخت.

ما وقتی بعظمت و تأثیر فوق العاده این نهضت مطبوعاتی اسلامی توجه پیدا میکنیم که تأثیر درک تاریخ گذشته هر ملتی را در آن ملت بخوبی دریافته باشیم، یک دانشمند اجتماعی بزرگ میگوید: "تاریخ برای اقوام مثل حافظه برای فرد شرط لازم شخصیت است" (۱) یعنی همانطور که شخصیت روانی هر فردی قائم بحافظه است شخصیت اجتماعی و ملی یا دینی هر جمعیت و ملتی هم قائم به تاریخ گذشته آنهاست اگر ملتی افکار و عقائد و آداب و سنن و قوانین و اخلاق گذشته را فراموش نموده با آن قطع ارتباط کند، این ملت دیگر شخصیت ندارد و در برابر بیگانگان و فرهنگ آنها بدون تردید دچار خود باختگی و تبعیت بلاقید و شرط و در نتیجه فنا خواهد شد.

\* \* \*

موضوع جالب توجه دیگر تشکیل سمینارهایی برای تحقیق در مسائل نوظهور حقوق غربی و بررسی وضع آنها از نظر فقه اسلامی است میدانیم با تکامل تمدن در دو قرن اخیر در عالم حقوق مسائل و موضوعات جدیدی مورد بحث واقع شده مانند انواع بیمهها، انواع شرکتهای سهامی، قوانین بازرگانی و تجارتی جدید، پاره ای مسائل خاص بین المللی و دهها موضوع دیگر که در فقه اسلام سابقه نداشته و اینک که احتیاجات جوامع بشری ضرورت بحث از آنها را ایجاب نموده باید نظر و روش فقه جامع الاطراف اسلامی درباره آنها روشن شود و کیفیت رسائی حقوق اسلامی به این احتیاجات روز عمیقاً مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

\* \* \*



در اینجا باید يك اقدام اساسی دیگر را که در راه شناساندن صحیح حقوق اسلام به جهان برداشته میشود یاد آور شویم، این اقدام اساسی تهیه و تدوین يك "دائرة المعارف" کامل برای فقه اسلامی است که هم اکنون عده ای از شایسته ترین دانشمندان مسلمان در کشورهای عربی مشغول آن هستند و نام عربی آن "موسوعة الفقه الاسلامی" است .

فکر ارزنده تهیه این دائرة المعارف از کنفرانس "هفته فقه اسلامی" در دانشکده حقوق دانشگاه "سوربون" فرانسه بوجود آمده . اول جولای ۱۹۵۱ بود که بنا به دعوت "انجمن حقوق شرق" که شعبه ای از مجمع بین المللی حقوق تطبیقی است "هفته فقه اسلامی" در دانشگاه سوربون تشکیل شد ، کنفرانس در باره جامعیت و زنده بودن حقوق اعمی قطعنامه هائی صادر کرد ( ۱ ) و بدنبال آن شرکت کنندگان در این کنفرانس اظهار امید کردند که بزودی جمعیت صلاحیتداری برای تألیف يك دائرة المعارف در فقه اسلامی تشکیل شود " و این تألیف محتویات ارزنده حقوق اسلامی را به سبکهای جدید در اختیار دانش پژوهان جهان قرار دهد .

خوشبختانه این نگر عالی وارد مرحله عمل شد و چنانکه گفتیم عده ای از دانشمندان برجسته مسلمان باشوق و شور فراوان سرگرم تهیه این دایرة المعارف شده اند .

غرض اصلی از تهیه این اثر تاریخی و مهم معرفتی عمیق و در عین حال ساده و روان آراء و نظریات و قوانین فقه اسلامی است ، در این دایرة المعارف موضوعات مختلف فقه اسلامی به ترتیب حروف " ا ب ج د " تنظیم شده و کلیه آراء و مواد مربوط بآن عنوان ، با توجه به نظریات مذاهب مختلف فقهی بطور دقیق نوشته میشود و بدلائل مهم هر رأی اشاره میگردد ، نویسندگان این مجموعه بهیچوجه آراء شخصی خود را در مطالب داخل نمیکند و مجموعه صرفا اساس و روش تحقیقی در يك مکتب حقوقی دارد .

پیشبینی میشود این دایرة المعارف در سی جلد تنظیم شود که شامل کلیه ابواب فقه اسلامی از عبادات ، قوانین مدنی ، جزائی ، اقتصادی ، فلسفه سیاسی ،

۱- تاکنون در کنفرانسهای جهانی متعددی در باره وسعت و انعطاف پذیری خاص حقوق اسلامی اظهار نظر شده و اعلام شده این "حقوق" صلاحیت قطعی دارد کشور های اسلامی را در مرحله تحولی خاصی که در پیش دارند رعبری کند ، نگارنده در شماره يك سال نهم مجله "مکتب اسلام" در خصوص این موضوع مقاله ای نوشته به پاره ای از این کنفرانسها و نظراتیکه از طرف دانشمندان حقوقی جهان ابراز شده اشاره نمودم .

اصول مقررات بازرگانی و حقوق بین المللی اسلامی و قسمت های دیگر خواهد بود (۱)

\* \* \*

در اینجا تذکر یک موضوع، بسیار مهم و ضروری است و آن اینکه معرفی فقه اسلامی به جهان تنها وظیفه روحانیون که طبعاً با این مسایل سروکار دارند نیست بلکه بر دانشجویان مسلمانی که در کشورهای اسلامی و یا اروپائی و امریکائی در رشته حقوق تحصیل میکنند فرض قطعی است از همان دوران تحصیل در حقوق اسلامی به مطالعه بپردازند و از اول با نظریات عالی که در این مکتب حقوقی هست آشنا شوند، شاید تصور شود دانشجویی که مثلاً "مکتب حقوقی رُم" یا حقوق "آنکلسا کسون" را مطالعه میکند چه نیازی به مطالعه و تحقیق در حقوق اسلام دارد، اگر تحصیل حقوق صرفاً برای بدست آوردن دانشنامه و اشتغال به کار باشد تصور خیلی بیجا نخواهد بود ولی هر دانشجوی مسلمان باید بداند که غیر از تحصیل "رسالت و مسئولیت" خاصی بردوش خود دارد، رسالتی سنگین و حساس، این رسالت را اسلام بردوش او گذاشته و او را موظف ساخته در حدود دانش و توانائی خود به "دعوت جهانی اسلام" کمک کند اسلام را بشناساند و مبلغی زنده برای این آئین حیات بخش باشد. بنابراین مطالعه و تحقیق در "حقوق اسلامی" بر دانشجوی حقوق مسلمان واجب است و ما اگر توفیق یافتیم در مقالات دیگری تشریح خواهیم کرد که "استعمار جهانی" و "غرب زدگی" داخلی خود کشورهای مسلمان مهمترین ضربه را از راه نارسا و ناقص نشان دادن "سیستم حقوقی اسلام" بر این کشورها وارد ساخته اند، آنها با توجیه این مقدمه غلط نظامات غربی را به نام "قانون" بر جوامع کاملاً شرقی مسلمان تحمیل نموده، از این راه ناهماهنگی و ناسازگاری شدیدی در شئون مختلف اجتماعی این کشورها بوجود آورده اند و همین عمل بشدت از تکامل طبیعی این جامعه ها ممانعت کرده است، با توجه

---

۱- اطلاعات مربوط به "دایرة المعارف فقه اسلامی" از مجله "الوئی الاسلامی" شماره ۱۶ سال سوم میباشند.

بقیه پاورقی. از صفحه ۳۶ -

الشرع الدولی و الاسلام

النظم الاسلامیه (دکتر ابراهیم حسن و همکارانش)

النظریات العامة للموجبات والعقود فی الفقه الاسلامی تألیف (دکتر صبغی محمسانی)

فلسفه التشریع فی الاسلام

اثار الحرب فی الفقه الاسلامی تألیف (دکتر وهیة الزحیلی)

به همین واقعیت اسف‌آور معلوم میشود که زمان و عوامل گوناگون عصر ما چه مسئولیت‌سنگینی را در موضوع زنده کردن "حقوق اسلامی" برعهده همگانی خصوصاً دانشجویان حقوق مسلمان گذاشته است. آنها که امروز دانشجوی هستند ولی فردا بصورت کارشناس حقوقی، استاد حقوق وکیل دادگستری و قاضی عالی‌رتبه و سایر عنوانها تاروپود مؤسسات حقوقی را بدست خواهند گرفت، اینها هستند که اگر به حقوق اسلام آشنا و بان مؤمن باشند میتوانند نظامهای غربی تحمیل شده برکشورهای مسلمان را در هم ریزند و نظامی نوینی بر بنیاد اسلامی آن بگذارند، امیدواریم بتوانیم در آینده، بیشتر و مشروحتر با خوانندگان عزیز نشریه "اسلام مکتب مبارز" درعلائم و مظاهر دیگر "غرب زدگی" و درمان‌های اصولی دیگر آن سخن بگوئیم.

### راه خدا

آیا هیچگاه زشتی‌ها و پلیدیها شمارا بستوه آورده است؟ و آیا هیچوقت بر اثر ظلم و ستمگری نسبت بخودتان یا نسبت بسایر افراد بشر احساس خشم و غضب کرده‌اید؟ و آیا این خشم و غضب شما را مرتعش ساخته است؟ و آیا احساس کرده‌اید که سکوت در برابر ستمگری جایز نیست و باید بجنیید و بخروشید؟ و در چنین حالتی آیا هیچگاه احساس کرده‌اید که شما دیگر آن آدم سابق نیستید و باید زشتی و پلیدی را سرچایش بنشانید زیرا از حد خود تجاوز کرده است. و آیا دانسته‌اید که با این عمل یعنی سکوت نکردن در برابر ستمگری و مقاومت در مقابل ستمگر بدون تردید خودتان را معرض آذیت و آزار قرار میدهید؟ و آیا دانسته‌اید که شدت آذیت و آزاری که بشما میرسد راحت و آسایش و امنیت را از شما سلب خواهد کرد؟ و چه بسا که حیات را از شما سلب کند. و با این حال ایستادگی کرده و تصمیم گرفته‌اید که در برابر ظلم و عدوان مقاومت کنید؟ اگر چنین سابقه‌ای دارید . . .

بدانیند که این راه خدا است

"سید قطب: مرد و اجتماع - ترجمه سید غلامرضا سعیدی"

نشانی پستی:

Address:

A-1097 Wien, Fach 22  
Austria

نشانی بانکی:

Bank Account:

Postscheckamt Nürnberg  
Konto - Nr. 133809  
West - Germany

مکت شماره معامل با ۱۰ ریال

M A K T A B E M O B A R E Z

Publication of  
Persian Speaking Group  
United Muslim Students Organization  
in Europe  
( U M S O )